

هموخت

گفتارنیک

اردیبهشت ۱۳۴۴

۱۵۳۳



مراسم سپاس و نیایش زرتشتیان تهران

سپاس بی پایان بدرگاه اهورامزدای بیهوده‌تارکه همواره دعای خیر ملت
 ایران را مستحباب فرموده و شاهنشاه بافسر و داد ما را در پناه خود از شر
 پلیدان نابکار مصون و محفوظ داشته است و دست اهریمنان خیانت پیشه
 را در آستین قطع وجود ناپاکشان از دامن این کشور زدوده است بیگمان
 این آرزوئی است که از زبان مردم اینکشور گویاست زنده باد شاهنشاه
 نابود باد دشمنان ایران

فهرست مনدرجات

صفحه	موضوع	نویسنده
۳	سرمقاله	دکتر سروش صرفه‌نیا
۵	دین و فلسفه	احمد پژوه
۸	سخنرانی	موبد رستم شهرزادی
۱۳	تجزیه و تحلیل	ترجمه موبد فیروز آذر گشتب
۲۱	زرتشت	ترجمه دکتر سیف الدین نجم آبادی
۲۷	سخنرانی	محمودی بختیاری
۳۰	بیزدان اهریمن	حیب‌الله آموزگار
۳۶	چند اندرز	ترجمه دکتر فرهاد آبادانی
۳۸	اخبار ماه	

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

رفع خطر از جان مبارک شاهنشاه

حمد و سپاس بی‌حد و بی‌قیاس خداوند عالم را سزاست که یکبار دیگر خطر حتمی را از سر ملت شریف ایران دور ساخت و نیز خائنین را از عدف اصلی باز داشت وظایر استقلال و تماعیت ارضی خاک کشور ایران را از توطئه‌ای علیم بر حذر داشت چراکه روز ۲۱ فروردین سال جاری فردی خائن و شخصی نالایق دل ازمه‌ر شاه و وطن بر تافت و درلباس مقدس سر بازی وظیفه خدمتگزاری را فراموش نمود و قصد جان وارت تاج و تخت کیان و قبله‌گاه آمال و آرزوهای بیست و دو میلیون ایرانی کرد که خوشبختانه این‌تین بسنگ خورد و داغ برآورده شدن این آرزو بر دل آن‌تیره بخت نهاده شد و تا ابد لکه ننگی بس دامان پلیدش گذاشته گردید که اگر واقعاً نقشه پلیدانه‌اش بصرحله اجرا درمی‌آمد هم‌اکنون کشور عزیز ما سرنوشتی دیگر داشت و روزگار مردم‌اش به تیره‌گی و پریشان حالی بی‌مانندی کشیده شده بود.

آری این اولین بار نیست که خطری حتمی و مسلم جان‌شاهنشاه ایران و بتای کشور و ملت بزرگ‌گ مارا تهدید می‌کند بلکه این مقصود پلید بارها بمنصه خلیل و رسیده است که خوشبختانه هر بار با شکستی فاحش رو بروگردیده است و این چیزی جز پادشاه نیکوی الهی به نفس خیر و اعمال عادلانه شخص اول مملکت نیست چراکه شاهنشاه ما از بد و جلوس بر تخت سلطنت چیزی جز رفاه و سربلندی مات خود در مد نثار نداشته‌اند و اساس سلطنت خویش را بر پایه‌های برقراری مساوات و رعایت‌عدل و داد و اراده‌های اند و همواره برای رفاه و آسایش و سعادت این ملت تلاش و کوشش فرموده‌اند.

قلب رئوف و مهر بان شاهنشاه و رفتار و اعمال نیکوی ایشان درباری و کمک به مستمندان و ترقی و بزرگداشت ملت ایران باعث گردیده است که خداوند بزرگ‌گ همواره مراحم بیکرانش را شامل حوال این ملت نموده پیوسته این کشور را از بادیای آسمانی و خدشه‌های زمینی مصوّل و نومجه‌های نگهدارشته است و سر و جان اولین فرد آنرا همیشه در

ظل عنایات خویش از هر گزندی مبربی گردانیده است و اینستکه شاهنشاه عظیم الشأن ما با الهام از این موهبت الهی پیوسته با کمال شجاعت و بی پرواپی بر نامه‌های مترقی خویشا دنبال فرموده و با نهایت خونسردی باعمال مغرضانه خائنین وطن برای جلال و بزرگی ملت ایران بذل مساعی و عنایت توجه خاص می‌فرمایند و از آنجاست که ملت ایران نیز بخوبی قدر این موهبت عظامی را دانسته و امنیت و آسایش و آزادی خویشا مدیون پدر تاجدار خود میداند و همیشه برای سلامتی ذات مبارکشان دست دعا بدرگاه باری تعالیٰ بر میداردوهر وقت که خطری متوجه معظم له می‌گردد بسیار نگران گشته با تمام قوای خویش برای دفع این خطر تلاش می‌کند و از اینچاست که هنوزهم از واقعه جانگدازی که در کاخ مرمر روی داده است و توطئه خائنانه‌ای تابود گردیده است و شاهنشاه دادگستری ماسلامت مانده‌اندست دعا بدرگاه خداوند تعالیٰ برداشته از این ذممت بزرگی که شامل حالت گردیده است هر اسم نیایش رادر هر کوی و بر زن با نجام میرسانندما نیز بنوبه خود این بخشش عظیم الهی را در حفظ و نگهداری جان شاهنشاه عالیقدر خود از یک خطر مسلم و حتمی بپیشگاه پدر تاجدار وهم می‌هنان عزیز تبریک عرض کرده امیدواریم که همواره وجود ذیجود شاهنشاه بزرگ که مظهر آزادی و استقامت وطن و ملجم‌شمندان و پناهگاههای دادخواهان است از هر گزندی محفوظ داشته آن وجود مبارک را که برای ملت کهنسال ایران باعث حصول خیر و برکات لایزال الهی است تا ابد نده و پاینده بدارد

خواهش و یاد آوری بنویسندگان

بطوریکه اکثر امداده می‌شود مقالات و نامه‌هایی که بدفتر مجله واصل می‌گردد ناخوانا و درهم می‌باشد که در موقع چاپ دچار اشکال می‌شود و در نتیجه بعضی از جملات غلط و باعث ناراحتی می‌گردد بدینجهت خواهشمندیم بنکات زیر توجه فرمایند :

- ۱ - کلیه نوشته‌ها خوانا و کمتر دارای خط خوردگی باشد
- ۲ - دریکروی کاغذ نوشته شود و اسمی خارجی و لغات مشکل خواناتر باشد.

بقلم: احمد پژوه

لین و فلسفه

(۱۸)

خاوند آنهاي شاهي او ليه آريان در هند

گرچه گزارش تاریخ باستانی هند، بسا در این گفتارها نابجا انگاشته شود، ولی چون اوضاع کنونی هند از حیث زبان و کیشهای گوناگون، معلوم عقايد و سازمانهای اجتماعی دوران دیرین است که از دو عامل روحانیت و سلطنت چند نزادی پدید آمده است. پس گرین ما بتاریخ سیاسی و اجتماعی کهن و دیپلوماسی نوین آنکشور بازمینه این گفتارها بیگانه نیست ویک گونه پیش‌پردازی برای نتیجه فرجامی است.

در شانزدهمین گفتار، اندکی از باورهای دینی آریانهای قازه درآمده بهند - از کتاب «ماتراها» که کهنترین نوشته آنها بوده - از چگونگی دوره «ودیک» و رهبری بر همنان یادشد. در ماتراها از عقیده بازگشت پس از مرگ (تناسخ) چیزی نوشته نشده و چنین چیزی را باور نمیداشته‌اند. ولی پس از آنکه هندوها — آریانها بعچند تیره و دودمان از هم جدا گشته‌اند، دو خاندان از آنها بسلطنت رسیدند.

یکی بنام «رامایانا» خاندان «راما» (Rama) شاهان این خاندان حود را فرود آمده یاجدا شده از خوردشید میدانستند و ایوذیا Ayodhya نزدیک اوده کنونی را پایتخت خود ساختند. خاندان دیگر بنام «مها بهاراتا» که خود را چکیده یا فروافتاده از ماه می‌دانستند، پرایاگ (اله آباد کنونی) و سپس «هاسیناپورا» نزدیک دهلی نو (امریکی) را پایتخت قرار دادند.

گزارش تاریخی این دو خاندان سلطنتی را از دو چکامه مشهور میتوان دریافت. آنکه وابسته بخاندان «رامایانا» است و بنام «راما» سرسلسله خاندان یا پیش‌تازان خانواده بوده و پهلوان داستان است، گفته‌اند شاعری بنام «وال میکی» آنرا سروده است. اکنون این «راما» در پیکر «ویشنو» (Vishnu) ستایش میشود و چنین باور میدارند که او به

جهان خاکی آمد تا جهان را از شر ستمگری و نابکاری (Monster) یاغول بزرگ دروانا، Ravana که پادشاه «راکشاساهها» بوده بوده بوده (دور نیست همین غولهادر اصطلاح اوستا - اهرمن خوانده شده باشند). فشرده داستان چنین است که :

راما . در جنگل «دان داکا» ناپدید میشود و زن او «سیتا» هم در دست روانا - اسیر میافتد و راما در پی زن بجستجو میپردازد و در منی با بدکه وی در کاخ روانا در سیلان گرفتار است ، با سپاهی ازمیمون بسیلان میباشد ، با پرتاب تیری از کمان «سیوا» (یکی از خدایان خورشیدی) روانا - از پا درمیاید و کشته میشود راما زن خود را میباشد. این چکامه بازیباترین لطایف ادبی ساخته و پرداخته شده ، اهمیت تاریخی بسزایی دارد و میرساند که هندوها در آن عصر بجنوب هند و دکن راه یافته و جزیره سیلان را نیز پیدا کرده اند .

اما خاندان «مها بهاراتا» پادشاهان «ماهواره» گزارش چنگی بزرگ : بهمان درجه عظمت و شهرت چنگ «رامایانا» شاهان خورشیدی نیز از آنها در منظومه ای سروده شده است. نام بنیادگذار این سلسله «بودا» (نه بودای پیغمبر) (Buddha) بوده که در هاستیناپورا سلطنت میکرد . او را فرزند سوما (یعنی ماه) میدانند از نسل وی «ویاسا» (Vasya) پدر «دریتاراشتراء» و «پاندو» را سراینده منقوله حمامی یادشده میدانند. دریتاراشترا سه پسر داشته که آنها را کوروس یا کراوس میخوانند (و پیداست که چند زن داشته است) اما پاندو پنج پسر داشت که آنها را پاندوس یا پاندواس میخوانند . این چکامه یا منقوله، چنگ خوینی را که میان عموزادگان بر سر تخت و تاج هاستیناپورا در گرفته میشناشد. در این چنگ بیشترین سرکردگان هندوستان بخانواده کوروس یا بخانواده پاندوس پیوستند .

از میان آنها «کریشنا» (که اکنون در پیکر یا بت ویشنوستایش میشود) از نامی ترین کسانی است که در منقوله یادشده بخانواده پاندواس پیوست. دو سپاه در کارزار کور و کشترا سپزهزار کوراوس روپر و شدند. در مدت چنگ هشتاد روزه که با خشم و تحرک بسیار انجام میگرفت ، خزاران چنگ جو کشته یا زخمی گردید. در پایان پاندوها پیروز گشتند ، پایتخت (هاستیناپورا) بدست آنها افتاد ولی جز مدی کوتاه نتوانستند در آنجا آرام بگیرند زیرا همینکه بشوه این همه خوفزی و کشتار از خویشاوندان اندیشیدند ، چنان دستخوش اندوه و پیشمان گشتند که از شدت غصه و شرمساری پشت پا به سلطنت خود زده بدان پایان داده ، راه کوچستان عیمالیا را در پیش گرفتند و با «draupati» زن مشترک برادران خود همنشین و عدم گردیدند (الیته در آن زمان رسم چنین بود که زن برادر بدرود گفته خود

دراگرامی میداشتند و اورا با نوی خانواده بشمار آورده نگاه میداشتند نه بنام همسری بلکه برتری از زنان دیگر) باری - یکروز «ایندراء» خدای بزرگ، بر آنها آشکار گردید و آنان را با خود بکیهان (Heawen) برد.

از این داستان حمامی ادبی افسانه‌آمیز، نکاتی چند از فلسفه عقاید، از سازمان اجتماعی، از نظام سیاسی و فرهنگی آریان دستگیر می‌شود.

۱ - اینکه آنها کیش ساده طبیعی داشته و بسیار خوش باور و پاکدل بوده‌اند، سپس در آمیزش با بومیان بکیش‌های خدایان پرستی گردیده‌اند.

۲ - برای جاگیری با بومیان در افتاده با قدرت بسلطنت رسیده، سپس میان خودشان بر سر فرمانروایی مطلقه جداً ای افتاده، به تیره و دودمانهای گونه گون پراکنده شده‌اند.

۳ - کسان با هوش و دانش، یا بگیریم زرنگ که ذوق ادبی و نیروی ابتکار داشته و با سواد بوده‌اند، با نوشتن داستان‌ها، سرودن شعر و سخنواری، زمام عقل وادران وارد مردم را با روان‌شناسی بکف گرفته بمقام روحانیت و رهبری دین و آیین رسیده، حکومت معنوی و نظام مادی را اداره می‌کرده‌اند. اینها نه بنفع ورشد فکری مردم، بلکه بسود مادی و شادکامی خود کیش خدایان پرستی را گسترش میدادند و نیروهای طبیعت را مجسم می‌کردند و دستگاه آخوندی را چنان مهیب جلوه میدادند و خود را می‌انجی خدای بزرگ و آفریننده خدایان کوچک با سخنان دل‌انگیز و پر شور می‌نمایند که مردم حیات و ممات خود را مرهون اوراد و اذکار و قربانی بخدا ایان میدانستند، اما خود را خردمند Sage یافیلسوف و راز و اندرزگو میدانستند، زیرا آرینها هرگز به پیامبری که از پیش خدای بزرگ آمده باشد باور نداشتند و آنها هم چنین ادعایی نمی‌کردند و «مانی» را هم که شهریاران ساسانی با پیر و انش کشتن به مین گناه دعوی پیامبری بود.

مانو نیخسته‌یین قانون گذار هند

The code of Manu

پس از کنابهای «ودا» از لحاظ اهمیت و کهن‌سالی بی‌گمان - کتاب قوانین «مانو» است که گرچه تاریخ نگارش آن دانسته نیست ولی نویسنده آن مردی خردمند و جامعه شناس بوده (وجه بسا نام مانو با «مانی» دوره ساسانی ما از یک نشان وردیشه باشد) همین اندازه میدانیم که این هیج مجموعه قوانین، بر همه‌هارا توانایی بیشتری داد که ریاست و قدرت قاهره دولت را بیاند و سیستم طبقاتی را استوار سازند. آنها مردم را بجهه‌دار طبقه از

نهنجنر آنی هو بد رسنیم شهرزادی بمعنای هبیت روز زایش

اشوزر تشت در خرد داد و فروردین ماه ۱۳۴۴

با نوان و آقايان محترم در فروردین يشت راجع بواقعه زايشه اشوزر تشت چنین آمده است :

دیوژدا مشیائی ائیسپی زاتم و هیشتا یوسپیتا موزره آتشترو، ای مردم بشارت بادشمارا که زائیده شد بهترین فرد بشر یعنی سپیتمان زدشت.

در کتابهای اوستا کلمه ایکه بعنوان پیغمبر برای اشوزر تشت بکار رفته واژه (ماقته بر) یعنی دارنده یا آورنده مانتره است مانتره در اصل بمعنی گفتار آسمانی یا - کلام نافذ و سود بخش میباشد و امر و زه این کلمه بصورت منتر یاورد در آمده که بازهم بمعنی کلام نافذ و معجز آساست.

واژه مانتره در اوستا اغلب با صفت سپنته یا مقدس و پاک همراه بوده و مانتره سپند گفته میشود یعنی گفتار پاک و آسمانی و هزاران سال است که زرتشتیان با ایمان کامل این مانتره سپند یا کلام مقدس اوستارا چه در مواقعي سختی و تنگی یاخوشی و ناخوشی و چه بعنوان دعا و عبادت یا جهت تسلی غمزدگان و تقویت روح یا طلب فیروزی در کارهای خطیر یا برای شادی روان در گذشتگان و طلب آمرزش آنان باهمان لفظ اصلی اوستائی میخوانند و نسبت بدرجه ایمان و عقیده خود از آن فایده بر میگیرند. عدهای از دانشمندان و علمای دین راهم عقیده برآنست که برای استفاده بهتری از اثر نیک آن باید اوستارا باهمان تلفظ اصلی آن چنانکه برایمان آمده سروده شوند،

هافته ۶ چگو زه هو ژر و اقع هیشود

بنا بر عقیده دانشمندان روانکاو در درون هر آدمی نیروهای هرموز زیادی نهفته شده که بطور کلی ما آنها را نیروی روحی یا ایمان مینامیم و هر گاه بوسیله عامل متحرکی این نیروها برانگیخته شوند اثرات شکفت انگیزی در انسان بروز کرده و وسیله انجام کارهای خواهند شد که از عهده یکفرد بشر معمولی خارج است. یکی ازین عوامل تلقین بوسیله گفتار تقویت کننده و روابط بخش یعنی مانتره سپند و برانگیختن نیروهای اندیشه و ایمان است که در طی تاریخ بشر اثرات عجیب زیر از آن حاصل شده و هر چه بعقب بر گردید این استعداد را بیشتر در بشر مشاهده میکنیم مانند:

۱ - تحمل شدیدترین شکنجه و آزار جسمی بدون احساس درد - درمورد پیغمبران و شهدا پارسایان و مرتابان .

۲ - گذراندن مراسم سخت و جانفرسای ور یا قضاوت الهی که با انگلیسی آنرا **Ordeal** نامند نظیر ورسیاوش و آدریاد ماراسپند وغیره .

۳ - معالجه دردهای درمان ناپذیر و سخت که معمول پزشکان روانشناس امروزی و مانتر پزشکان ایران باستان بوده .

۴ - انجام کارهای خطیر و شجاعانه زایدالوصف نظیر کارهای اسفندیار روئین تن در ایران و زاندارک در اروپا و سایر فدائیان و میهن پرستان در میدانهای جنگ .

بدون وجود این نیرو هیچ پیغمبر یا مصلح بزرگ و هیچ جهانگیر یا سردار مقتدی نمیتوانست به هدف خود رسیده و با انجام آن کارها موفق گردد . ازین روی در فنون جنگی و علم سرباز پروری سفارش شده که تقویت نیروی روحی سربازان واجبتر از تقویت نیروی جسمی آنان است زیرا سربازی که با نیروی ایمان و قوای روحی مسلح باشد هفتاد درصد موقیت او در میدان جنگ تأمین است . این موضوع در یکی از یشتها بنام ورهرام یشت بخوبی تمودار است و موبدان قدیم این یشت را برای تقویت روحیه سربازان پیش از عزیمت بجنگ سرائیده و قسمت برگردان آن یعنی (عهدیه) راهمه سربازان باهم میسر و دند . در اورمزد یشت راجع به اثر سودبخش و فیک مانتره چنین آمده است :

تداستی مانتره سپنتهه امهوس تم : تدور تره وس تم . تدخره ننکهس تم . تدیاس کرس تم . تدواره ترغیو تم . تدبیشه زیو تم . یعنی این مانتره سپند از همه نیرومندتر فیروزی دهنده تر - خرمی بخش تر - مؤثر تر - تواناتر و شفا بخش تر است .

در اردیبهشت یشت از میان پنج نوع پزشکان ایران باستان (مانترو بیشهزو) یاما نتره پزشک یعنی پزشکانیکه با مانتره بیمار را معالجه میکردند از همه بلندپایه تر محسوب شده و با آنان لقب (بیشه زنام بیشهزو) یعنی پزشک میدادند و حتی امروز هم ازین روش استفاده میشود .

چه بسا اتفاق افتاده که بیماران سایر مذاهب هم پس از نامیدی از معالجه پزشکان دست توسل بدامان موبدان زده و جهت بهبودی خود از مانترهای اوستا استفاده می - نمودند .

در اروپا نیز امروزه معالجه امراض روانی یا صعب الملاج جسمی را بر وان پزشکان واگذار کرده و آنان باروشهای مختلفی که بنام هیپنو تیزم و مسمریزم و مانیه تیزم معروف است بیماران را شفا می بخشند .

اثر نیک مانتره را میتوان بوسیله امواج صدا یا نور یا نیروهای دیگر

تقویت کرده بفاصله‌های دوردست فرستاد

ایرانیان باستان ازمان بسیار قدیم پی‌بود امواج صدا برده و میدانستند که هر گاه این مانتره‌هارا بوسیله امواج سریعتر و نیز و مندتری مانند صدا یا نور یا نیروهای دیگری تقویت کنند میتوان اثر نیک آنرا بهمراهی آن امواج بفاصله‌های دوردست تری فرستاده و تا حدامکان افراد بیشتری را مشمول فیض آن سازند بدین سبب موبدان میکوشیدند تا مانتره هارا بوسیله عوامل نامبرده زیر پیش‌کنند تا هرچه بیشتر و سریعتر بر تصفیه محیط و آرامش خاطر و نیز و مندی جسم و روح و دفع غم و اندوه مردمان برآیند.

۱ - تقویت اثر نیک مانتره بوسیله امواج صدا :

یکی از روش‌های باستانی گستردن اثر مانتره بوسیله صداست و بهمین سبب موبدان در آدریانها هنگام ادای نماز و سرایش اوستا بنواختن زنگ میپردازند و در اوقات برگزاری یستا و ویسپرد زنگ کوچک پر طفینی را با دسته مخصوصی بصدای درمی‌آورند.

یکی از دانشمندان بشردوست اروپائی درین باره مینویسد: هنگامیکه سوت کارخانه نزدیک منزلم بصدای درمی‌آید من فوراً دعای سلامتی و تقدیرستی وصلح و آرامش جهانیان را ذممه کرده آرزو میکنم صدای آن سوت دعای خیر من را بفاصله‌های دور پراکنده سازد. دعای سحرگاهان هم از آن جهت مؤثرتر است که این آذوهای از قلبی سوزان و دلی دردمند و پاک سرچشم‌گرفته در هوای صاف ولطیف نیم شب سریعتر و با مواعظ کمتری بسوی هدف پیش میرود حافظ روانشناس فرماید:

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
دعای نیم شبی دفع صد بلا بکند

۲ - بوسیله امواج نور :

بهمین جهت موبدان در هنگام نیایش و نماز رو بروی آتش و نور استاده تا امواج نور مانتره‌هارا بنقاط دوردست پراکنده سازد و زرتشیان وهندوان و یونانیان قدیم نور را پیک تلفن و رادیو و بی‌سیم و رادار انجام میدهد زیرا این دستگاهها صدا را بهمراهی امواج نوریکه از برق بدست می‌آید بازی و سرعت زیادی بفاصله‌های دوردست میفرستند. جای شگفتی است که می‌بینیم در جمله‌ایکه موبدان در هنگام برگزاری مراسم یستا و آفرینگان ویسپرد رو بروی شعله‌های آتش و نور میسرایند با کمال وضوح و با اشاره باین موضوع مهم علمی است که میگویند:

« برآوج و زور و نیروی و تکی و هماوندی و فیروزگری این خشنومان باوزایاده » یعنی بشود که این انوار مقدس برآوج و زور و نیروی و سرعت و قدرت و نفوذ این نیایش بیفزایند « همچنین راجع به امواج انوار خورشید و ماه نیز در نیایش ویشت مخصوص بهمین نام بطور وضوح اشاراتی موجود است از جمله در خورشید نیایش آمده :

هنگامیکه نور خورشید بتابد صدها هزار نیروهای مینوئی آن نور را میگیرند و میبرند و بر روی زمین پخش میکنند تا پاکی در جهان بیفزاید و تن و جان نیرو و توان گیرد و همین نیروهای نادیدنی را امروزه ذرات موج نور میخوانیم که انوار بدون وجود آن هرگز بزمین نمیرسند .

باز در ماه نیایش میخوانیم : هنگامیکه ماه بتابد آن نور را نیروهای مینوئی بزمین میرسانند .

۳ - بوسیله نیروی فکر و اندیشه :

امروزه علم تلهپاتی **Telepathy** یا انتقال فکر بفاصله دور ٹابت کرده است که مغز انسان دارای دستگاههای است که هم میتواند امواج فکر را با سرعت زیادی بفاصله های دور فرستاده و در عین حال امواج فکر دیگران را نیز با همان سرعت دریافت کند یعنی بطور خلاصه مغز انسان هم دارای دستگاه فرستنده و هم گیرنده است و هرچه رابطه اندیشه و احساسات دو نفر بهم نزدیکتر باشد بهتر میتوانند بدریافت امواج فکر یکدیگر نائل آیند بدین وسیله گاهی اشخاص غلطتاً حادثه مرگ نزدیکان خود را از فواصل دور حس کرده یا باصطلاح بایشان الهام میشود و هر گاه مغز فردی پاندازه کافی مستعد و نیرومند باشد میتواند افکار دیگران را تحت سلطه خود درآورده و بر آنها حکومت کند .

بدین سبب دانشمندان پیش‌بینی کرده‌اند که اگر پیشرفت فکر و پرورش نیروی مغز دو انسان بهمین روشی که ادامه دارد پیش رود روزی خواهد رسید که بشر بتواند بدون مکالمه و صحبت افکار خود را بدیگران منتقل ساخته و با اشاره‌ای تمام مکنونات قلبی واردی خود را با آنان بفهماند بهمین جهت است که دانشمندان موجودات کرات دیگر را که از ما جلوافتاده‌تر فرض میکنند آنان را مجهز با آنکه مغزی تصور کرده میگویند طرز مکالمه آنان باهم بوسیله امواج مغزی آنانست نه حس گویائی .

رعدی آذربخشی یکی از شعرای دانشمند ایرانی راجع بتوسعه این نیرو در بشر آینده میفرماید :

من بر آنم که یکی روز رسد در گیتی
که پراکنده شود کاخ سخن را بنیان
بقیه در صفحه ۴۷

مردی که بیش از پنجاه سال به فرهنگ این کشور خدمت کرد با سر بلندی زندگانی را بدرود گفت



روانشاد محمدعلی حکیم‌الهی از چهره‌های درخشان فرهنگ این کشور و از خدمت گذاران کهنسال فرهنگ ما زرتشیان بشمار است که در دوران نخستین خدمات فرهنگی مازرتشیان عمکاری خود را آغاز و در تمام مدت خدمت خود با نهایت صمیمیت و دلسوزی این وظیفه مهم اجتماعی را انجام داد و با اندوخته‌ای فراوان از شمار پرورش یافته‌گان محض فیاض خود و گنجینه‌ای از شخصیت‌های علمی فراوانی از تعلیم یافته‌گان مکتب خود زندگانی جاوید یافت و نام بلندآوار خود را جاودا نه بر برگهای زرین تاریخ فرهنگ این کشور نسبت نمود.

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هر گز
مرده آنست که نامش بنکوئی نبرند

ترجمه موبد فیروز آذر گشسب

تعزیه و تحلیلی از تفسیر بهرام پیشنهاد فیروزی نامه
 تألیف سر کار سر گردم. اورنک بقلم
 شیخ بدجعه شیخ جو گارسیتی گاترال

بی‌نهایت خوشوقتم که فرصتی بدست آمد تا تقریظی بر کتاب با ارش فوق کار دیگری از یک دانشمند پرکار و بالاستعداد ایرانی است بنگارد. سر کار سر گرد اورنک تا به حال دوازده کتاب سودمند و پرارزش بشرح زیر راجع به زبان و ادبیات و فرهنگ ایران باستان تألیف نموده‌اند.

یکتاپرستی در ایران باستان - جشن‌های ایران باستان - لغت‌نامه اورنک - کتاب صدر - تفسیر یسنا هات ۱ تا ۱۰ درسه جمله - خیتودت یا هم‌ستگی در اوستا سوشهانت‌ها یسا سه موعود آینده ایران - شرح و تفسیر گاتاهای هات ۳۰ تا ۲۸ یسنا درسه جلد.

خوشبختانه درمورد چند فقره از تألیفات فوق نگارنده تقریظهای نوشته است و همیشه با رضایت خاطر مشاهده کرده که سر کار سر گرد اورنک در نوشته‌های هویش و در شرح و تفسیر یسنا و گاتاهای سعی کرده است تا مفهوم واقعی و روح اصلی متن مقدس را به بازی بسیار شیوا بیان کند. گرچه نوشته‌های این دانشمند از لحاظ مفهوم با ایرانی اختلاف دارد ولی هیچ خواننده‌ای نمیتواند تحت تأثیر دلایل منطقی و توضیحات بکر و روشن این نویسنده قرار نگیرد طبیعی است همانطوریکه مولف دانشمند اغلب متذکر گردیده‌اند تنها یکنفر ایرانی و فرزند همین آب و خاک خواهد توانست کتب و نوشتگات نیاکان خود را بنحو احسن درک کرده و نکات مبهم و تاریک آنرا روشن سازد سر کار سر گرد اورنک در تفسیر گاتاهای هات ۳۰ بهم وطنان خود توصیه میکند که ترجمه و تفسیرهای حاور شناسان غرب را درمورد اوستا و پهلوی باقید احتیاط مطالعه نمایند و از توضیحات غلط و مغرضانه آنها گمراه نگرددند. نگارنده این موضوع را در بحث انتقادی خود راجع به کتاب «فیروزی نامه» و همچنین در مقدمه کتاب انگلیسی خود بنام زناشوئی در ایران باستان مخصوصاً ذکر کرده است تا نشان دهد که چگونه حاور شناسان غرب مفهوم واژه‌هایی مانند «خیتودت» و امثال آنرا تحریف و دگرگون ساخته و مردم را گمراه می‌سازند.

روشی را که سرکارسر گرد اورنک در ترجمه و تفسیر بهرام یشت اتخاذ کرده‌اند همان رویداد است که نامبرده در آثار قبلی خود بکار برده است بدین معنی که اول متن اوستایی هر بندی را ذکر کرده و سپس همان متن اوستایی را با نویسه فارسی و بعد ترجمه تحت الفظ واژه‌ها را داده‌اند و در پایان توضیح و تفسیر کافی راجع به بند نقل کرده‌اند شمنا مولف داشتمند ۷۸ صفحه کتاب را اختصاص به واژه‌های اوستایی و معانی آنها از احجاز دستور زبان داده و در ۱۲ صفحه آخر کتاب تclarات و عقاید داشتمندان را راجع بتاییف قبلی خود یعنی «تفسیرهای ۳۰ یسنا» ذکر کرده است حروف اوستایی و چاپ فارسی این کتاب و همچنین کاغذی که بکار برده شده بسیار خوب بوده و جلب توجه خواننده را می‌کند.

سرگرد اورنک از قرار معلوم گاتاها و یسنا را کنار گذاشته و توجه خود را به یشتها که از ادبیات کهن مزدیسناست معطوف نموده است بهرام یشت یکی از یشتها بسیار مهم است و همانطور که مولف داشتمند در مقدمه کتاب ذکر نموده‌اند بهرام چنانکه بعضی‌ها تصور کرده‌اند ستاره مريخ و رب النوع جنک نیست بلکه منظور از بهرام «فتح و فیروزی خداداده است» کسانیکه راستی پارسائی و نیکوئی را پیشه خود ساخته‌اند بطور مسلم از شکوه و فیروزی خداداده برخوردار خواهند شد. در سرتاسر این یشت واژه «ورترغنو اهوره‌دا تو» ذکر شده است که خاورشناسان آن را به معنی «فرشته بهرام آفریده خدا» ترجمه کرده‌اند ولی سرگرد اورنک آن را به معنی «فیروزی خداداده» ترجمه نموده واقعاً فکری است بکر و تفسیری است بسیار جالب و بهمین علت نیز نام کتاب را فیروزی نامه گذاشته است.

در اولین ده فصل کتاب ذکر شده است که بهرام بشکل‌های مختلف مانند پادو گاوونر و اسب و شتر و گراز و پسر جوان و پرنده و بره و بز و پهلوان ظاهر شده و با شخصیت پارسا و نیکوکار فیروزی خواهد بخشید ولی سرگرد اورنک مینویسد سر باز شجاعی که از میهن خود دفاع می‌کند یا هر شخصی که مایل است در زندگی با فیروزی هم قرین باشد باید صفات ده گانه بهرام را بشرح زیر کسب نماید.

سرعت - چالاکی - استقامت - تحمل و بردازی - شهامت و مردانگی - تواضع و فروتنی وغیره :

موضوع فوق بحثی است واقعاً جالب و در عین حال بسیار الهام بخش.

در فصل ۱۱ تا ۱۳ اشاره به تیز بینی و دور بینی ماهی کر - اسب و کر کس شده و از حد اوند موهبت‌های مزبور برای اشوز رتشت آرزو گردیده است. عبارتی که در فصل ۱۳ بهرام یشت بهمراه تیز بینی کر کس ذکر شده : «ناؤمیه هجه دنکهات» می‌باشد که عموم خاورشناسان

چگونه جراید از نوروز ۱۳۴۴ استقبال نمودند

تمام جراید و نشریه‌های روزانه و هفتگی و ماهانه بدون استثنای مطالعی راجع به نوروز و تاریخچه، آداب و رسوم آن انتشار دادند که نه تنها از افسانه‌های چند و چون بدور بود بلکه بیشتر بحقایق فلسفی و مقام منطقی آن پرداخته بودند.

با اندک ژرف نگری میتوان دریافت که علاقه نویسندگان و اهل مطالعه به مسائل میهنی برپایه راست و برپاشنه درست قرار گرفته و دربری احساسات را بدست خردسردانه است، استنباط از این روش عالی است که پرتو امید بخشی دردهای تابان و آینده‌ای بس در خشان دربرابر چشم مجسم میگردد.

این حقیقت را باید پذیرفت که اینگونه جشنها و آئین و سنتهای آن زائیده مقتضیات و خواسته‌های مردم این آب و خاک است و بازش و خوی ساکنین آب و هوای آن سارش دارد و بهمین جهت است که گذشت سده‌های بسیار دور و دراز توأم با نشیب و فراز هم توانسته است بدست فراموشی سپارد، بیگمان برپاداشتن این جشنها را باشکوه و جلال هرچه بیشتر گویای تجلی حس میهنی و دلبستگی بزادگاه خود است و پیروی از این روش‌های نیکوکه رشته یگانگی را بهم پیوند داده و گره‌های آنرا استوار مینماید سزاوار ستایش است.

اینک نمونه‌هایی از چند نشریه:

مجله تهران مصور چنین آغاز مطلب نموده است «بی‌آنکه بخواهیم گزافه گوئی و خودستایی کنیم ملت ما از دورترین روزگاران باستانی همواره از انسانی‌ترین و بهترین فرهنگها برخوردار بوده است - جنبه‌های شاعرانه و لطیفی که فرهنگ ایران باستان را پر کرده است بیگمان در هیچیک از فرهنگهای جهانی دیده نمیشود اگر بهضی گوشیده‌ای اساطیری فرهنگ یونان‌کهنه را کنار بگذاریم دیگر در تاریخ باستان که روزگار پروردش و شکفتگی اندیشه انسانی بوده است ظرافت اندیشه ایرانی را هیچکدام از عمل دیگر نداشته است».

یکی از گوشدهای دلنشیون و چشم گیر فرهنگ ایران باستان در مورد جشن نوروز

چگونگی پیدايش - برگزاری و نگهداری آئینها و ترتیبات آن است و سپس فلسفه و آئین و نیایش نوروزی که از دوران باستان بمارسیده بتفصیل و با نهایت دقیق هنرمند داشته است. مجله امید ایران نیز مصحابه‌ای از استاد دانشمند پورداود بعمل آورده و طی پرسش و پاسخی حقایق را برای خوانندگان مجله روشن نموده و چنین با ظهار مطلب پرداخته: « برای بسیاری از جشن‌های مایک آغاز داستانی قائل شده‌اند از جمله همین جشن سال نورا بجهشید که یکی از پادشاهان پیشدادی است نسبت داده‌اند همین پادشاه در هنر در دین برهمنی و در کتاب آنها که بنام و داست بنام جم خدای مرگ است و آنکه اختراعات و اکتشافاتی که منتب بجهشید است بر شمرده و سپس بفلسفه مذهبی نوروز پرداخته و چنین بیان داشته‌اند در همین جشن فروردین است که فرهوشیها بروی زمین فرودمی‌آیند و بعیده ایرانیان ده شب آن روز برای سرکشی بازماندگان خاندان دیرین مشغول می‌شوند. در جای دیگر برای پرسش «عید نوروز فعلی جزو سنن ملی است یا بیشتر شکل عملی خود را حفظ کرده است چنین فرموده‌اند»:

« نه بمنظار من جزو همان سنن ملی است » و همچنین « برای پرسش از نظر ایرانیان قدیم چه حرمتی داشته چنین توجیه فرموده‌اند»:

« آتش در قدیم قبله ایرانیان بشمار میرفت و در میان عناصر اربعه مقام بسیار ارجمندی داشت. در تمام معابد ایران همیشه آتش روشن بود، ایرانیان آتش را نماینده فروغ آسمانی میدانستند».

مجله سپید وسیاه نیز چنین مینگارد (زدشت پرسید ای اهورامزدا ای مینوی چرا ماه فروردین را بهتر و گرامی‌تر میداری؟ اهورامزدا پاسخ داد در ماه فروردین بود که جهان را آفریدم و بجهانیان زندگی عطا کردم» و در مقدمه چنین توضیح داده‌اند:

ترانه‌ها - آوازها - جشنها و از میان همه این بدايیج جشن نوروز جانکشاتر و دلپذیرتر و باشکوه‌تر است - چه رازیست در این جشن بهاری که از دو هزار سال پیش از عیлад تادوهزار سال بعد از عیلا مسیح تنها جشنی است که در تاریخ کهن جهان هنوز پا بر جاست با وجود یکه حوات بسیار دیده و ترکتازیها و هجوم بیگانگان را تماشا کرده است در طول قرن‌های بسیار این جشن نامهای گوناگونی پیدا کرد.

نظیر جشن نوروز - جشن بهاری - جشن فروردین - بهار جشن و هر مز جشن اما هر چه بوده آغاز این جشن همواره هر مزد روز روز اولین فروردین ماه بوده است و سپس بتفصیل اصول و فلسفه برقراری نوروز را شرح داده و در پایان چنین توصیه نموده‌اند:

بیانات افتخار آمیز حضرت رئیس جمهوری تونس در ضیافت اعلیحضرت همایون شاهنشاه

قبل از هر چیز لازم میدانم سپاسگزاری خودرا از استقبال گرم و باشکوهی که ازما بعمل آمده است بآن اعلیحضرت وملتshan تقدیم دارم و نیز مایلم از طرف خود وملتتونس احساسات قدردانی ومودت خودمان را بآن اعلیحضرت و ملت نجیب ایران عرضه دارم . در همین اولین تماس خود با سرزمین ایران بخوبی احساس میکنم که از کشوریکه وارد یکی از بزرگترین حیثیت‌های تاریخی جهان است بازدید مینمایم کشوری که سرچشمها ندیشه بشری وزادگاه تمدنی است که نفوذ معنوی آن عمیقاً در فلسفه وادیات اسلامی اثر بخشیده است کشوری که مدت زمانی مرکز تقلیل تمدن جهان وناظر یکی از بزرگترین لحظات تاریخ بشری بود جای تعجب نیست اگر تاریخ جهان ایفای چنین نقشی را بعده ایران گذاشته باشد ذیرا ملت ایران در چهارراه تلاقی سرزمینها و فرهنگ‌های مختلف قرار گرفته از دوران بسیار کهن توانسته است تمدنی را بوجود آورد که نبوغ آن هم شرق و هم غرب را تحت تأثیر خود قرارداده است . در پایان بیانات خود باز چنین فرمودند :

اعلیحضرت - علیاًحضرت - خانمها و آقایان من بکشور بزرگ ایران که آنهمه تمدن و فرهنگ بشری را سیراب کرده است بملت پرافتخار ایران و پیادشاهی که قبله امید همه افراد ملت خویش است و خود را سراسر وقف تأمین سعادت ملت کرده است از صمیم قلب درود میفرستم و سعادت و سلامت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی و علی-حضرت شهبانوی ایران و ترقی روزافزون ملت ایران را آرزومندم .

چاپخانه راستی
تلفن ۳۹۶۲۴

بمناسبت هفتادمین سال زندگی سرافراز و پر
افتخار دوست سخن پرورد و سخن گسترم جناب
آقا محمود فرخ خراسانی سروده شد.
محمودی بختیاری

فرخ

کت آست ان سپهر زداید باستین
هستی تو از تبار فریدون آبتهین
داری نشان ولیک زکاوس و کی پشین
در فر و نام ، نام گرفته بر استین
خصم تو کیست؟ آنکه جین سوده بر زمین
چون هستی از تو گشته، آزاد گی، سمین
بیگانه را نشسته خشم تو در کمین
و آنکس که با تو خصم دزم خوی و دل غمین
نالد بدرد ، آنکه تو باشی ورا بکین
 بشکفته از تو گلبن آئین راستین
پاداشن حبیب به پهلوی او نشین
ای شادمانه ، از تو ، دل این ، فراز بین
بالم بخویش کز تو شنیده ستم آفرین
کز خامه تو رفته ایدن گفته تمین

بر تو خجسته فرخ آزاده آفرین
ای سرافراز مرد که در گوهر و نژاد
زنهار گسر ز تازی باشد ترا نشان
در چهر و مهر گوی ربوهه ز همگنان
یار تو کیست؟ آنکه کلمه سوده بر سپهر
کین از تو گشته لاغر هاند نیستی
آزاده را گرفته هر تو در کنار
آنکس که با تو دوست، شکوفاوشادمان
بالد بخویش آنکه تو خواهی و رازه
پژمرده از تو چهره تازی و اهرمن
پادافر رقیب به جرس همی نشان
از آفرین قست سرافراز «مرزبان»
از آفرین خلق نبالیده ام بخویش
خواندم از سخن ور آری سخنورم



اجرای مراسم سپاس و نیایش



انجمن زرتشنیان تهران در ساعت پنج و نیم بعد از نیمروز پنجمین بهمن ۱۳۴۴ با حضور گروه انبوی از همکیشان در تالار خسروی آئین نیایش و سپاس را بشرح زیر بجا آوردند نخست آقای ارباب رستم گیو رئیس انجمن زرتشنیان و سنا تور محترم سخنرانی جامعی بیان داشتند که بالحساسات تجلیل آمیز حضار همواره مواجه بود.

آنگاه مراسم نیایش و سپاس توسط چهار تن از موبدان در حالیکه عموم بحال احترام و دعا ایستاده بودند با آهنگ استانی اجراء گردید و حضار نیز برآبر آئین باستانی احترامات بایسته را بجای میآوردند.

پس از پایان نیایش خوانی آقای موبد رستم شهزادی ترجمه پارسی نیایش و سپاس را در همانحال که حضار در حال قیام و احترام ایستاده بودند قرائت نموده و در پایان بطور دسته جمعی ایدون باد ایدون تراج باد (برآورده شدن خواسته خود که سلامتی و پایداری وجود شاهنشاه بیدار بخت است) آرزو نمودند.

**بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو نهادنور هنرمند
و رئیس انجمن زرتشنیان تهران در مجلس نیایش و
سپاس که بهنامیت ملاحتی ذات اقدس شاهنشاه
داد گسترش از هموی انجمن زرتشنیان در تالار خسروی
برگزار گردید**

همکیشان ارجمند بانوان و آقایان گرامی اهور امزدای یکتا را سپاس و شکر گذاریم که همیشه شاهنشاه دادگستر ما را در پناه خود از هر حادثه سوئی پاسداری فرموده وجود مقدسش را که همواره منشاً خیر و سعادت و موجب افتخار و سر بلندی ملت ایران میباشد محفوظ داشته است.

درود و سپاس به اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه بزرگ و خردمندی

که برای تأمین آسایش و آرامش مردم این کشور شبانه‌روز نیاسوده و آرمانش برسعادت و سرفرازی عموم ملت استوار است.

تجلیل و کرنش بپدر تاجداری که در پاسداری و احیاء میراث درخشنان باستانی و سنتهای پرافتخار و تاریخی این کشور کهنسال از هیچ کوششی نهراستیده و از بذل جان و مال هم دریغ نفرموده‌اند.

پیاس این سجایای ملکوتی و خصایل عالی معنوی و انسانی است که فرد فردایرانیان برای سلامت و سعادت شاهنشاه عظیم الشأن خود همواره دست دعا بدرگاه خدای بزرگ دراز نموده و از دل و جان طول عمر پایندگی سلطنتش را با فرو شکوه و جلال خواستار بوده و هستند.

ما زرتشیان که شاهدوستی و میهن پرستی جزء فرضه دینی و ملی و باخون مادرشته شده است در نماز روزانه خود ضمن نیایش و ستایش تندرنستی و دیرزیوی و کامکاری شاهنشاه محبوب خود را از درگاه اهورامزدا آرزو مینماییم.

اینک نیز پیاس این موهبت بزرگ سپاس خدای را بجا می‌آوریم و از درگاه لایزالش خواستاریم که همواره وجود مقدس شاهنشاه با فر و داد ما را تندرنست و شادکام و بارمانش کامروا فرموده و دودمان پهلوی بزرگ و بویژه علیا حضرت شهبانوی نیکوکار و الاحضر ولایتهود عالمی را در کنف حمایت و عنایت خود حفظ فرماید.

پروردگارا این آرزوی قلبی هارا برآورد فرما.

تو جمهه نیایش و هیاپس که تو سرت آقای هو بد شهزادی

قرائت گردید

پروردگارا شاهنشاه مارا نیرو و فیروزی ده - پادشاهیشان پایندگی و کامروائی بخش - شهریار ما را با توانایی و خوشخوئی ودادگستری کامروا فرما - برشکوه و جلالشان بیفزای - پردمنانشان چیره گردان - خداوندا بر پادشاه هارنیج و سختی هموار نما تابتوانند بدخواهان وزشت خویان و بداندیشان رانابود کنند.

درود میفرستیم و آرزومندیم که شاهنشاه ما بر هر مشکلی چیره آیند و در هر نبردی پردمنان پیروز گردند - کینه توزان و بدخواهان را برازدازند - پروردگارا از تو خواهانیم که بداندیشان و بدکرداران از دورشان دور گردند - نیکاندیشان و نیک گفتاران و نیک کرداران پیوسته باستانشان نزدیک باشند.

متن سخنرانی دانشمند خاور شناس آلمانی پروفسور راهپیش که روز جمعه ششم آذر ۳۴ با آلمانی ایراد فرمودند و آقای دکتر همیت الدین نجم آبادی آنرا به پارسی ترجمه نمودند.

زیرنویس از دیدگاه دانشمندان

اروپائی (بخش ۱)

اکنون ۱۰۵ سال از نخستین ترجمه علمی سرودهای آسمانی یا گاهان زردشت پیامبر میگذرد. این ترجمه از دانشمندی بنام م. هاوگ بود که بنیان کار خود را بر روی دستور زبان گذارد و بترجمه‌های پهلوی دروایات پارسی توجه نکرده بود.

تقریباً همان با او فر. شپیگل کوشش کرده بود در ترجمه‌های خود میان روایات پارسی و دستور زبان سازشی برقرار کند لیکن در روایات بیشتر توجه کرده بود تا قواعد دستوری و درنتیجه تصویر دیگری از سرودهای گاهان بدست آمد.

کار جیمس دارمستن مانند شپیگل بود با این فرق که بیش از شپیگل از روایات پارسی پیروی کرده بود. ترجمه‌های او بعد از اساس متن انگلیسی کتابهای مقدس شرق^(۱) شد.

در این میان کریستیان بارتلمه کار پژوهش‌های اوستایی را تابدا نجاح پیش بردا که ۶۰ سال پیش (۱۹۰۴) کتاب «واژه‌نامه ایران باستان»^(۲) و یک سال پس از این ترجمه «گاهان» خود را با آلمانی زیرعنوان «پندهای منتظم زردشت»^(۳) منتشر کرد، آثاری که حتی امروز هم با همه نقصهایی که بحق برآن وارد است، بنیان استوار برای هر گونه بررسی علمی سرودهای آسمانی پیمبر ایرانی است. با اینکه ممکن است برای هر یک از واژه‌ها، یا

۱ - The Sacred Books of the East

۲ - Ah iranisches Wörterbuch

۳ - Zarthustra's Verspredigten

اصطلاحات متن اصلی غالباً یک معنای دیگری پیشنهاد کرد، بازهم نباید اظهار نظرهای اورا ندیده گرفت، هر چند آنها امروز مردود وغیر علمی باشند.

باین ترتیب این دو کتاب همچون «دستون ساختمانی» پژوهش‌های اوستایی و گاهانی اروپائیان قرار گرفت، زیرا بینان بررسی‌های متنهای گاهانی از آندرآس - واگر فاگل و ه. لومل و طالعات ک. ف. گلدرن چاپ کننده متن اوستا همکی بر اطلاعات بارتلمه استوار شده بود و هیچگونه مطلب تازه دیگری بیان نکرده بودند.

تنها یوه. هر تلکوشیده بود که با اثر خود بنام «آئین روشنایی و آتش» (۱) به - گاهان زردشت وجهه دیگری بدهد ولی وی در این کار زیاده روی کرده بود بطوریکه گذشته از چند تن دانشمندان آشنا بمن سرودهای گاهان برای دیگران مطالبی بیسرو ته ازهم گسیخته و بی‌نظم و قافیه شده بود که هیچگونه بگفتار پیغمبران مانندگی نداشت.

همچنین متن ترجمه انگلیسی گاهان توسط ماریا ویلکسن سمیت (۱۹۲۹) که از نظر زبانشناسی مورد توجه بوده چیز تازه‌ای درباره زردشت و آموزش او همراه نداشت. چه این اثر فقط در همان چهارچوب توجیهات و تعبیرات معانی که بارتلمه در کتاب «واژه‌نامه ایران باستان» خود نوشته بود مانده بود.

در سال ۱۹۳۰ لومل در کتاب خود بنام «دین زردشت از روی اوستا» وصف منظمی از تعالیم آموزشی زردشت پیامبر بزرگ کرد. بدینخانه در این نظام ترتیب زمانی و تاریخی رعایت نشده بود. بلکه فقط یکبار این موضوع را از گذشته عقب بجلو معرف کرده و یکبار هم از نظر چگونگی سالمر زردشت بررسی کرده بود. ترجمه‌های گاهان او که چند سال پس از آن چاپ شد و اصل و بنیاد کتاب تاریخ ادیان او را می‌ساخت هیچگونه نظر تازه‌ای عرضه نکرد و چنانکه در مقاله‌اش در سال ۱۹۳۱ نوشت «زردشت یک روستائی بود».

نخستین کسی که با مکتب بارتلمه بمخالفت برخاست ه. س. نویرگ بود که در کتاب خود بنام «دینهای ایران باستان» که در ۱۹۳۸ بینان آلمانی منتشر شد با نظرهای خود در باره پیامبر و بنیاد دین او توجه شایانی جلب کرد و زردشت را یک پیشوای شمن معرفی کرد و گروه گاهانی را در برابر گروه میترائی نهاد.

ولی در جزئیات مسئله و همچنین در باره نقل و روایت سخنان آلمانی گاهان زردشت و گهنگی و قدمت زبان گاهان در میان زبانهای آریائی اندیشه‌های کاملاً درستی اظهار کرد. از این گذشته خود پاره‌ای از قسمتهای سرودهای گاهانی را دقیق‌تر از بارتلمه و پیشینیانش

فهمیده بود ولی همه وقت نتیجه‌های درست از این دانشها تازه‌تر و بهتر نگرفت زیرا «فرضیه‌ی شمن‌ها و میترا» مانع از دید بیطرفا نه او بود. اگر کتاب وی تمام پژوهشها اöstتائی تا آن تاریخ برهم نزد وشور و غوغائی بپا نکرد گناه حنگ جهانی دوم بود؛ در کلیات و اصول شاگردان مستقیم او گک . ویدن گرن وست . ویکاندر پیرو روش او می باشدند.

پس از جنگ جهانی گذشته ، همینکه جوانان از جبهه‌های جنگ بازگشتند و دوباره بداشکاه رفتند ، انتقاد عمومی در تمام آنچه که تا آن تاریخ نوشته شده بود حتی نکته کیری با آن دو «ستون ساختمان ایران‌شناسی» بارتلمه: نکته‌گیری «واژه‌نامه ایران‌باستان» و دستور زبان اوستا ، چنانکه شاگرد بارتلمه در «کتاب مقدماتی برای اوستا» شرح داده بود آغاز شد . از آن سو باصطلاح «مکتب موئیخ» توسط کارل هوفرمان و شاگردش ه. هوهباخ از یک سو و من از طرف دیگر بترجمه و برگرداندن گاهان بزبان آلمانی ادامه دادیم.

همین کار ترجمه که با محدودیت وسائل آنروزی صورت گرفت با کمال وضوح گرفتاری دور و تسلسل را آشکار ساخت : اگر انسان واژه‌نامه بارتلمه را مورد استفاده قرار میداد ناچار میشد همان قواعد دستوری را که او وضع کرده بود بپذیرد در صورتیکه از طرف دیگر ژوفبینی بارتلمه و ترجمه دقیق وی از گاهان موجب شک و تردید فراوانی در درستی این ترجمه‌ها شده بود پس با این ترتیب یک ایران‌شناس میباشد این کار دا دوباره از آنجا آغاز میکرد که یکروز م. هاوگ آنجا متوقف شده بود ، یعنی نه بدنبال بارتلمه بلکه همکام با او واژه‌ها و معانی آنها را با استدلال در گاهان بررسی کرد. البته برای کمک و اطمینان از نتیجه کار میتوانست یا ممکن بود از آثار بارتلمه استفاده کرد.

بدینگونه روش کار هومباخ بوجود آمد که سرانجام در سال ۱۹۵۹ گزارش تازه‌ای از گاهان زرتشت که حاصل پژوهش‌های گوناگون او بود بخوانندگان عرضه شد . (نخست، در آغاز جوانی ، وی میپنداشت که ترجمه گاهان را در یکسال میتواند بسرآرد، ولی این کار به ۹ سال کشید). اینست روش کار او وهمچنین روش کار من ، جز اینکه من پر گما نتر و با احتیاط بیشتر پیش میروم و تاکنون چند نمونه اندک بصورت آزمایش از این ترجمه‌ها منتشر کرده‌ام که بیشتر آنها در کارپایان نامه آفای دکتر سیف الدین نجم آبادی که زیر عنوان «جهان دیگر نزد زردشت - توبینگن ۱۹۵۶» نقل شده است.

گزارشی از برگزاری جشن زایش اشو زرتشت

ششم فروردین بنا بستن دیرین که بمناسبت زایش اشو زرتشت و برگزیده شدن آن پیامبر بزرگ پیامبری روزی بزرگ و بلندپایه دانسته شده و از دیر زمان آئینهای دینی و جشنهای شادی افزای بر پامیکرد و حتی این روز را نوروز شاهنشاهی و نوروز بزرگ خوانده‌اند.

حوشیخانه زرتشتیان ایران و جهان نیز در حال حاضر در این روز جشنهای شایسته و آئینهای باشته دینی برپا میدارند و بشادی و نیایش میپردازند.

برآ بر گزارش‌های رسیده در تمام شهرستانها و دهات زرتشتی نشین یزد - اهواز - شیراز کرمان - اصفهان - یزد و زاهدان مجالس حسن و آئینهای مذهبی بر پا گشته و ضمن نیایش خوانی با سخنرانیهای سودمند شنووندگان را ارشاد نموده‌اند.



صحنه‌ای از برنامه موسیقی جوانان سازمان فروهر

در تهران از طرف انجمن ذرتشتیان از ساعت چهار بعد از نیمروز جمهور ششم فروردین در تالار خسروی مراسم نیایش خوانی و سدره پوشی بر پا گردید که در آن گروهی از همکیشان شرکت گستند و از سخنرانی سودمند موبد دانشمند آقای رستم شهرزادی استفاده نمودند.

سازمان فرهنگ جوانان ذرتشتی نیز سه شب متوالی (۷۶۵ و ۵۶۷) فروردین در تالار دستان گیو با برنامه های سرگرم کننده و آبرومند جشن برپا داشتند که هر شب متتجاوز از پانصد نفر در آن حضور یافته و با استفاده از سخنرانی و مشاعده برنامه های هنری و نمایش تاریخی



و کمدی - بر گذار گفند گان و گردانند گان آنرا تشویق و تجلیل مینمودند.

پس از بیان خبر مقدس و گزارش مختصه ای از کوششهای سازمان توسط آفای خسر و باستانی موبد دانشمند آقای فیروز از آذرگشتب در شبهای پنجم و هفتم سخنرانی جالبی ایراد نمودند که از هرجهت آموزنده بود.

فرزانه دانشمند آقای دکتر بوذرجمهر مهر نیز به میمنت چنین روز بزرگ در شب ششم بابیانات دل انگیز و مطالبی گلچین از اوستاد و چکامه های از شعر اشنوند گان را مستقیض نمودند.

آقای محمودی بختیاری نیز با سخنان آتشین و چکامه ای شورانگیز که خود سروده بودند حضار راساخت تحت تأثیر بیانات خود قراردادند.

بر نامه های موسیقی و هنری جوانان نیز جالب بود. نمایش بیرون و منیزه اقتباس از شاهنامه با بهترین وجهی بروی صحنه آورده بودند در این نمایش تمام هنر پیشگان از زن و مرد نقش خود را با استادی ایفا نمودند که از هرجهت سزاوار ستایش است.

نمایش کمدی قهقهه خانه مشهدی صفر نیز برای بینند گان بشاشت خاطری ایجاد نمود. زحمات هیئت مدیره سازمان فرهنگ و جوانان باذوق و کوشای ما در خور تحسین و تقدیر است و امیدواریم این سازمان که در انجام وظیفه اجتماعی خود شاهد موفقیت بوده در آینده نیز در انجام بر نامه های خود کامرا و باشند.

پیشیه همپاس و نیایش

آرزومندیم که نیکانرا پاداش نیک بخشنند و بدان را بکیفر بد خود رسانند - فریب دهنده گان و کژمنشان را نابود سازند.

پروردگارا زندگی شاهنشاه مارا درازدار. برآدمانشان کامروا فرما.

پادشاه ما را دوستدار نیکوکاران و دشمن بدکاران ساز. باشد که نیک نامیشان جاودان گردد.

خداآندا از تو خواستاریم که بهترین زندگانی و شادکامی بازیروی پاکی و راستی و پارسائی بشاهنشاه ارزانی گردد - پروردگارا از تو خواهانیم که آرزوی ما را برآورده فرمائی . ایدون باد ایدون تراج باد.

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل کار یا منزل

آدرس جدید خود را بدفتر مجله اطلاع دهنده تا مجله با آدرس جدید آنها فرستاده شود

سخنرانی دانشمند جوان آقای محمد مهدی پنجتیاری در جشن زایش اشیو زرتشت

بدین شایستگی جشنی بدین باشتنگی روزی
شما را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی

از اینکه مجالی یافتم تا در این روز خجسته باشما سخنی بگویم و شاد باشها قلبی خود را پیشکشتن کنم خوشقت و سرافرازم و بدینوسیله نوروز آرنک فروغمند فرهنگ ایران زمین و یادگار و رجاوند نیاکان هنرآفرین را بشما عزیزانم شادباش میگویم . و آرزودارم که سال نورا با خوشی و شادمانی بسر برید . برای ما ایرانیان وجود جشن‌هائی چون نوروز که هانند دیگر سنت‌های ملی دارای فلسفه شگرف انسانی است درخوازه‌هایی است فرهنگ هرملتی را باید از روی سنت‌ها و شیوه‌های زندگی آن ملت شناخت . جشن ملی وعید رسی ایرانیان نوروز است بردی اندکی پیرامون همین جشن هر آدم روشن بین را در برابر شکوه و ژرفای فرهنگ ایرانی پکرش و امیدارد . از روزگاران دیرین ملت ایران بشناخت کیهان و پیوند زمین و آسمان توجه داشت . و آنگاه که خورشید از شاخ گاو به شاخ بره میگراید (از برج ثور به برج حمل می‌رود) و اندازه روز و شب برابر میگردد و هواملايم می‌شود و خورشید باوج خود میرسد سال نو ایرانیان آغاز می‌شده در این هنگام نقاب خاک از چهره گلها و گیاهان برآفکنده میگردد و طبیعت جوانی و زیبائی و دلفریبی خود را از سرمهیگیرد برای ما ایرانیان نوروز و آغاز بهار دوچشم است یکی آغاز سال نو و زیبائی طبیعت و دیگری پیدایش شخصی ارجمند که جهان مردمی باو می‌باشد و از فرای روشش اندیشه و خرد بجهان سایه‌افکن گشت . زرتشت و خسورد بزرگ آریان و پیام آور خردمند ایران نمودار انسان کامل و اندیشمند بود آینه فرخنده‌اش بر پایه منش و گفتار و کردار نیک استوار است . و آدمی از فروغ اندیشه‌اش بر اهربین تیرگی و اندوه و ویرانی چبره گشت . و از آنجا که آدمی گرامی ترین موجود است و هستی بوجود او وابسته است و بکمک اندیشه و خرد هر دشواری را آسان ساخته و هر ناچیز را چیز کرده و در خورستایش و نیایش می‌باشد ناچار زرتشت که نمونه کامل این موجود است ستایش را در خود است و نیایش را سزاوار است . من در اینجا چکامه‌ای که به مین‌مناسبت ساخته‌ام تا آنجا که حافظه باری کند در وصف او می‌خوانم .

ای روشنی فزا ، ای شادی آفرین
وی از تو زندگی شیرین و دلنشیں
و خشور سرفراز آین راستین
زرتشت نامدار و خشور با فرین
گستردگشت مهر افسرده گشت کین
و از فریب‌منش شد بادرور زمین

ای افسر بهاره ای ماه فرودین
ای از توروزگار فرخنده چون بهار
هنگام دلکشت زاد و پدیدگشت
خرم شدی از آنک خندید بر رخت
زرتشت نامدار آنک فروغ او
از دای روشنش شد راستی پدید

وی مهر تو بجان چون نقش بر نگین
شد سنک چون گهر شد زهرانگین
شد فربه از آوان شد لاغر از توان
وی رای روشن بنبیان داد و دین
بد خندهات روان از لعل شکرین
بالد بتو همان نازد بتو همین
بیرون کند بر قص دستی ز آستین
سرسبز باد و خوش هر بام و هر پسین
کش زیور آمدی از فر آبین

ای فام تو روان همدوش با زمان
شد از تو مرد جم زیباتر از ارم
مهر است و کینه است بازیگران دهر
ای روز زایشت جشن جهانیان
تا دیده بر جهان بگشودی از نهان
با داشت و خرد همزاد و همدی
هنگام زایشت ناهمید بسو سهپر
ایران چو مینوان ما ناد جاودان
کش رهبر آمدی از سوی اورمزد

بی شک ارزش ملتها بستگی بجهرهای درخشان مردان خردمند و اندیشمند آن دارد. و آن فرهنگی سروری و برتری دارد که پی گیر و بی دنبال شود و گستردگر زمان و دوره از این چهره‌های درخشان ببیند فرهنگهایی که تنها یک دوره درخشان دارند. نمیتواند استوار بخود بوده باشد و بی شک از سرچشمه دیگری سیر آب گشته اما فرهنگ ایران ذمین تا آنجا که سند داریم از روزگار زرتشت تا کنون خالی از این چهره‌های درخشان نبوده است و در هر روزگاری یکی از این اختران تابناک درخشیده است. فردوسی - خیام - حافظ نمونه‌های آن میباشند. و سنتهای بجامانده گواه ریشه‌داری و پر ما یگی این فرهنگ است. اما در این جشن نمی‌خواهم بسخنرانی پردازم و در این زمینه سخن بگویم. تنها می‌خواهم شما را بازیبائی‌های بهار و ارزش این فرهنگ نامدار و سنتهای ریشه‌دار آن آشناسازم ایرانی هر چه را ستوده ستودنی بوده است. و هر چه رانکوهیده رشت و نازیبا بوده است. من با مدد روز پنجم فرودین که بتهران رسیدم. بردا منه سپهر وستیغ البرز تا بش خورشید نگریستم آشوبی در خود پدیداردیدم و دلباخته این همه زیبائی گشتم بر بام برآمدم، خوردید از پشت کوه بالامیآمد و پر توهای زرین و دلفریب خود را بر تیغه برفآلود و سرافراز البرز

میباشد آنجنان باشکوه و ورجاوند بود که بی اختیار در بر ابرش زانوزدم و نیایشش کردم و بیاد
چکامه بهار افتادم که فرمود :

صیحح است و گلان دیده گمارند بخوردشید
با خود گفتم پس :

خواشاكه نیایش برخورشید گزارند
آنگاه که پنهان شود اندر پس الوند

ما نیز نیایش برخورشید گزاردیم
آنکه که برون آید و از اوچ بتا بد

این دورنمای زیبا را بفال نیک گرفتم و ضمن نیایش خوردشید گفتم.
و آراسته گردند و بداندام و خوشایند
و آن کاخ که شد سوخته در دامن سیوند
هر سنک شود گیهر و هر زهر شود قند
دیگر زر رویان و سد از کوه سگاوند
آن فخر کزا جداد قدیم است پس افکند
از هرز کیان بر گسلد بویه و پیوند

آباد شود باد د گرسشور دارا
آن طاق که شد ساخته در ساحل دجله
هر شهر شود کشور و وه قریه شود شهر
دیگر در غلطان رسداز خطه بحرین
بارد گر افتاد پسر این قوم کهن را
آن دیو کجا کارش پیوسته دروغست

من این سال نورا با اینهمه زیبائی و دلف-ربی که در پیشانی دارد و یقین دارم
بدینستان زیبا و پر بار و خرم دنبال خواهد شد سال بدروزی و پیروزی و شادکامی و خوشی
برای ملت ایران میدانم و میخواهم. در این سال آرزو دارم که فرهادیزدی یارمند و طبیعت
دلپسند در شادمانی و نعمت را بروی مردم ایران بگشاید و نیروی تلاش و کوشش آن را
بیفزاید تا بر اهرمن سستی و تنبیه کاری و بیهودگی چیره گردند و بدانسان که دودمانهای
ایرانی هنگام فرار سیدن نوروز خانه تکانی میکنند و گردهای سال کهنه را از چهره خانه و موانع
خود میزدایند این مردم رنج دیده و ستمکشیده و بیگانه زده را بخود آرد تا گردازه و سستی را
از خود دور کنند و با نیروی شکرف و دلی شاد و آن دیشه بی آماده و روشن راه سرافرازی و
آزادگی را پیش گیرند. برای اینکه سخن خود را با خوشی با نجاتم بر سازم ناگزیرم که ما نند
همیشه با سخن آسمانی حافظ که از جان و خرد بنیاد گرفته گفتارم را خوش فرجام سازم.
این غزل را که کوئی گزارشی از یک بندگاهان مینویست و آهنه که جان و دل من است در نظر
آورده ام. پس توای دوست من :

بساط کهنه بر چینیم و می درساغر اندازیم
نسیم عطر گرداز راشکر در محمر اندازیم

از : حبیب‌الله آموزگار

یزدان - اهریمن - زروان - روزگار

مدیر محترم مجله سودمند «هوخت» مقاله بسیار آموزنده و تاریخی آقای موبد رستم شهرزادی که بمناسبت روز درگذشت اشوذر تشت سخنرانی کردند در شماره ۱۲ سال ۴۳ بدقت مطالعه و استفاده تاریخی کردم - چون نگارنده باثار تاریخی میهن عزیز (ماند دیگر میهن دوستان و حقشناسان) علاقه زیاد دارد این است که گاه‌گاهی بمناسبتی مزاحم شده و چند کلمه‌ای درستونهای مجله مینگارم اینک چند کلامه :

۱ - در قسمت زروانیان که موبد دانشمند با آن بیان شیوا و مستدل شرح داده‌اند اگر بجای (زمان) در ترجمه یا تفسیر (زروان) کلمه (روزگار) بود شاید هناسبتر هی بود زیرا روزگار اعم از زمان و غیر زمان است - خاصه‌که نویسنده محترم باستناد آیات قرآن و حدیث کلمه (دهر) بعنوان ترجمة عربی آن نوشته‌اند و درست و بجاهم نوشته‌اند زیرا معنی تمام کامل (دهر) روزگار است !

۲ - در ذکر حدیث منسوب به پیغمبر اسلام ، ظاهراً اهل حدیث! لاتسبو الدهر فانه هوانه است نه (فان الله هو الدهر) زیرا بمعنی اول ، دهر خدا است و این بدان معنی است که طبیعت روزگار و بالاخره هر چه هست و نیست خدا است و این معنی باعترافان و حقیقت خداشناسی و اینکه نیست خدائی جزا و هر چه هست او است بهتر وفق میدهد - ولی بمعنی دوم علاوه بر آنکه برخلاف ظاهر حدیث است ، روزگار راشناسانده خدامی داند نه خدا راشناسانده و آفریننده روزگار !!

چون سخنران محترم احاطه بر کتابهای هر بوط با ائمین زرتشتی و یکتا شناسی داردند - اگر لطفاً توضیح دهند که کلمه (یزدان) که بعضی جمع (ایزد) هیدانند که در استعمال الف حذف شده و بعضی مشتق از (مزدا) می‌دانند - از چه وقت و در چه وقت و در چه مورد در آئین زرتشتی استعمال شده و بمعنی (سپنتماهینو) آمده ، چون در تمام تعبیرهای مقالات این مجله راجع

به فرشته نیکی و بدی یا نور و ظلمت همه جا در برابر (اهریمن) اهورامزدا نوشته شده در صورتیکه اهورامزدا خدای یگانه است فوق همه وخارج از ردیف مخلوقات است .

۴ - در صورتیکه (یزدان) در اصل جمع (ایزد) بوده اساساً کلمه (ایزد) کی و کجا بمعنی (سپنتامینو) استعمال شده در صورتیکه تاکنون آنچه در کتابهای نظام و نشر فارسی دیده شده کلمه (ایزد) برای خداوند و بمعنی (اهورامزدا) استعمال کردند چنانکه کلمه (ایزد متعال) از بهترین تعبیر ادبی برای نام خداوند شناخته است .
در هر صورت هرگاه معنی اصلی این دو کلمه (یزدان - ایزد) ومحل استعمال آن در کتابهای دینی زرتشت روشن گردد و در برابر کلمه اهریمن که تاکنون کلمه (یزدان) بکار برده اند درست و بجا باشد در این صورت در برابر اهریمن (که انگره مینو یعنی آفریده ذات بد است) نباید اهورامزدا که آفریننده همه نیکها و بدها است بکار برد بلکه همان جمله متدائل (یزدان و اهریمن) باید گفت و نوشت بویژه اگر فلسفه و شأن آنها معلوم گردد .

در خاتمه از اینکه گاهی چند سطري جای آن مجله سودمند رامی گیرم پوزش می خواهم چون منظورم بهتر روشن شدن اذهان و افکار عامه نسبت بنامهای مقدس خداوند یکتا و فرشتگان مقرب و مقدس او و نامهای نامبارک شیطان و دیوان و بدکاران است تا برای جویندگان راه حقیقت چراغی فراراه باشد و در زبان پاک و مقدس فارسی آن کلامات بجا و بمورد استعمال شود .

هوخت - چنانچه در مقاله‌ای اهورامزدا برابر اهریمن قرار داده شده باشد ناشی از اشتباه بوده حال آنکه از طرف نویسنده‌گان این مجله برای رفع این اشتباه مقالات مفصلی انتشار داده وابهام آن روشن گشته است اما با مطالعه دقیقی که شده است حتی کلمه یزدان که بمعنای ستایش سزاگان (یانیکان) است در برابر اهریمن قرار دادن هم درست نیست بلکه در برابر واژه اهریمن که بمعنی بدازدیشی است واژه و هومن که نیک اندیشه معنی میدهد شایسته است .

تئاضا از مشترکین محترم شهروستانها

خواهشمند است آن عده‌ای که تا به حال آبونمان خود را بنمایند گان مجله پرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهد بود .

اعطای عنوان دکترای افتخاری دانشگاه رم بجناب آقای شجاع الدین شفا



جناب آقای
شجاع الدین شفا
رایزن فرهنگی
دربار معظم
شاهنشاهی که از
جهراهای درخشن
واز خدمتگذاران
فرهنگ و انتشاراتی
این کشور بشمار
می‌آید مقرر است
دانشگاه برگ
و مشهور رم عنوان
دکترای افتخاری
ادبهات را به
هزاری ایمه اهداد
نماید.

آنان که به
ابتکارات و خدمات
فرهنگی و مشاغل

مختلف اجتماعی آقای شفا آشنائی دارند تصمیم دانشگاه رم رایک امر شایسته و قدردانی
بموردی هیدانند.

ازین جهت صمن ستایش از اقدام بموضع دانشگاه رم این موفقیت را بآقای شفا
داد باش میگوئیم.

خلاصه‌ای از یک نامه

نامه‌ای از آقای جهانگیر شاهد که در خلال آن معرف نویسنده‌ای با احساسات است بدفتر مجله رسیده که در ضمن خورده گیری از بیعلاقگی افراد اجتماع پیشنهاداتی هم داده اند.

مثلاً نوشته‌اند که چرا در جلسات سخنرانی‌ها نباید بیش از ۸۰ تا صد نفر حضور یا بنده یا آنکه چرا انجمن زرتشتیان و سازمان فرهنگی بر علیه برخی نشریه‌های زیان‌آور به - مبارزه نمی‌پردازند و اگر جز این باشد چه نیازی باین تشکیلات است و ضمناً در تحت پنج ماده پیشنهاداتی داده‌اند که بیشتر بشعار شبیه است تایک پیشنهاد.

ماده اول چنین است: اجتماع بیشتر برای تمرکز افکار مختلف و ریختن صوت‌های حرف‌مازندرانی در میدان. ماده بعدی راجع بتبلیغ بیشتر است اما نه تبلیغ دینی. ماده سوم - پنجم دسانیدن پیشنهادات افراد. ماده چهارم شوق بیشتر برای راه بهتر وبالاخره در ماده اندوز داده‌اند که سنتی و بیعلاقگی را دور کرده برای زیست بیشتر و همبستگی هر چه بیشتر بکوشند.

هوخت - آقای شاهد چنانچه بجلسات سخنرانی‌های معمولی سازمانهای دیگر هم سری بزنند خواهند دید که آنجاها هم عده‌ای بیش از پنجاه نفر نیستند - راجع به مبارزه با نشریه‌های زیان‌آور طرق مختلف دارد بخصوص هنگامیکه مقررات خاصی وجود ندارد یعنی آنگاه که مبارزه مستقیم هیسر نباشد مصلحت آنست که از طریق غیر مستقیم و بالانتشارات سودمند بمقابله برخاست آنچنانکه تابحال هم شده است.

دکتر ماهیار روشنی

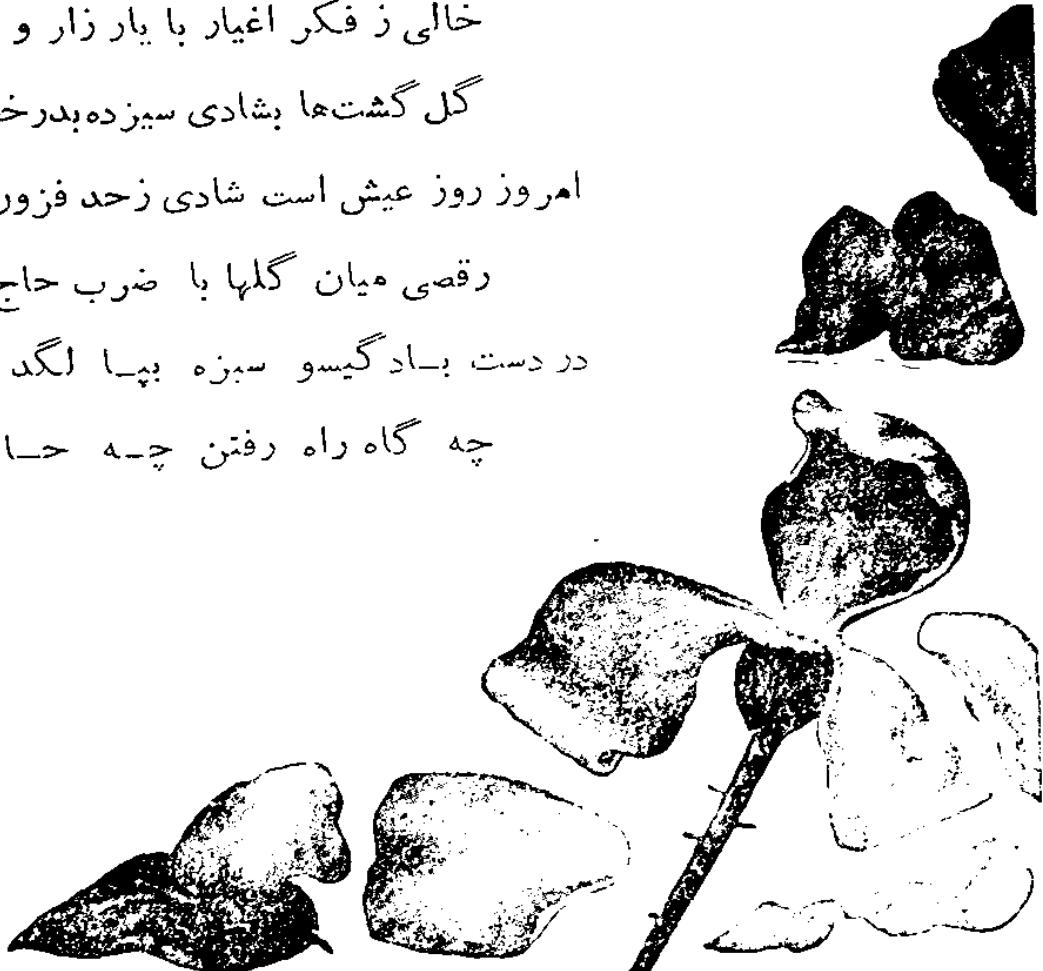
دکتر ماهیار روشنی و چهارم هاضمه
«اطفال - زنان»

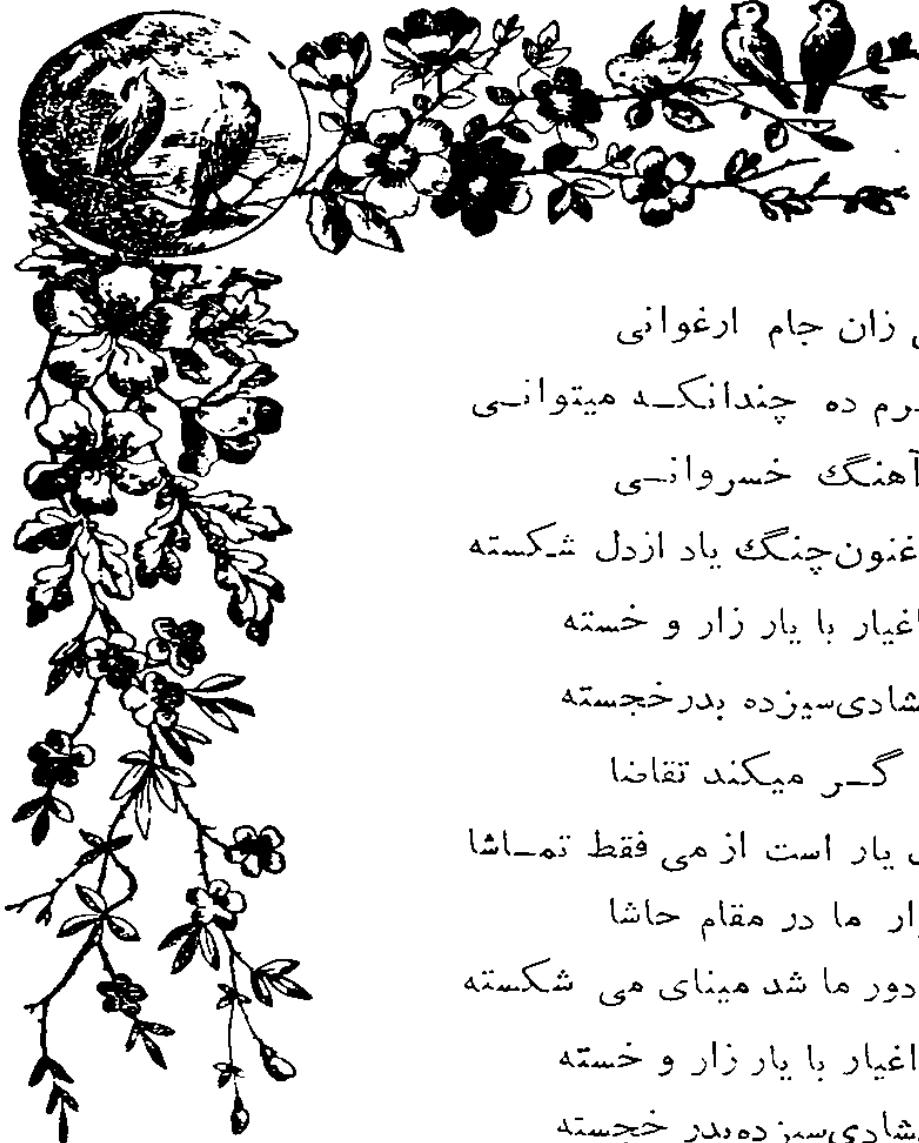
پذیراً قابلی با تعیین وقت قبلی
تلفن: ۷۵۶۷۵۰ - ۴۶۰۴۳

از: گودرز فرامرزی

سیزده بدر

سیزده ندارد عیبی ها کرده اید گجسته
 آهنگ آن محل کن باسماک و بار پسته
 خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
 گل گشت ها بشادی سیزده بدر خجسته
 ای بیوفا جفا جو امروز را صفا کن
 گاهی گره بسبزه گاهی زلف وا کن
 خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
 گل گشت ها بشادی سیزده بدر خجسته
 امروز روز عیش است شادی زحد فزون کن
 دقیقی میان گلهای با ضرب حاج صمد کن
 در دست بادگیسو سبزه بپا لگد کن
 چه گاه راه رفتن چه حالت نشسته





حالی ز فکر اغیار با یار
زار و خسته
گل گشت ها بشادی
سیزده بدر خجسته

در زیر ارغوان جامی زان جام ارغوانی
لبرین ساغر م ده چندانکه میتوانی
وز لعل ارغوانی آهنگ خسروانی
گاهی در ارغون چنگ یاد از دل شکسته
حالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت ها بشادی سیزده بدر خجسته
در آن میانه گودرز گر میکند تقاضا
راک اندرون یار است از می فقط تم اشا
هر چه ز دوست اصرار ما در مقام حاشا
چون دور دور ما شد هینای هی شکسته
حالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت ها بشادی سیزده بدر خجسته

پنجه هم‌خنجر افی دع‌خونی پنهانیاری

چو دردست است رودی خوش بزن مطریب سر و دی خوش
که دست افسان غزل خوانیم و پاکوبان سراندازیم
بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه
که از پای خدمت یکسر بحضور کوئر اندازیم
اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی بهم سازیم و بنیادش براندازیم
پاینده ایران

ترجمه: دکتر فرهاد آبادانی

چند اندارز از پیشنبینیان

« متنی که ترجمه آن در زیر بنظر خواهد گرفته ارجمند هیرسد نمونه
 « دیگری از ادبیات پهلوی است که متن در این اندارزی چند است و
 « امید است که اینکو نه ترجمه‌ها توجه جوانان ما را بسوی ادبیات
 « ایران باستان که منبعی سرشار است جلب نماید و آنچه خوددارند
 « از دیگران تمنا ننمایند. بگمان مترجم این بهترین هدیه‌ای است
 « که میتواند در این سال نو بهم میهنان خود تقدیم کند. باشد که
 « قبول افتد.

اینک ترجمه اندارزها:

پنجمین اندارز

- جوانی را نادش (= بالیدن و مغرور بودن) نیست.
- خواسته (- - مال و ثروت) را برزشن (= قدر و قیمت) نیست.
- زنگی را داشت (= آراش) نیست.
- ذروان (= پیری) را درمان (= چاره) نیست.
- مرگ را چاره نیست.
- زنان را خرد نیست.
- خدای را انباز (= شریک) نیست.
- واز همه او بدتر که بمیرد و خدای ازاو خوشنوش نیست و هر که خدای ازاو خوشنوش نیست او را اندار بهشت باشی (= روشن) جای نیست.
- فرجامید (= پایان یافته) بدرو و شادی و رامش نیست.

- بدرد است (آن) که خرد ندارد.
- رنجور است (آن) که زن ندارد.
- بی نام است (آن) که فرزند ندارد.
- بی ارزش است (آنکه) خواسته ندارد.
- از این همه او بدتر (است) که روان فرجامید (- - انجام یافته)

ششمین اندارز

- دانائی را تای (= مثل و مانند و همتا) نیست.
- رشگ را نام نیست.
- گوئی را پایش (= پایندگی و دوام) نیست.

ا خ ب د آ ر م م ا ه

از قصر همایونی	شماره قبض	تاریخ اصل	تاریخ وصول
به ط	۱۱۰۴	۲۶	۱۷۲۶
با سخن ۱۲۰ - ۴۴/۱/۲۴			

آقای رستم گیو سنا تور

تلگراف تبریکی که بشکر انہ سلامت ذات مقدس ملوکانه مخابره نموده بودید موجب مسرت و خرسندی خاطر خطیر شاهانه گردید.

رئيس دفتر مخصوص شاهنشاهی - هیراد

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه عظیم الشان ایران

شاهنشاه خدای بزرگ را سپاس و شکر گزاریم که عنایت و رحمتش همیشه شامل اعلیحضرت همایون شاهنشاه پدر تاجدار بوده و شهریار والاتبار و محبوب عزیز ما را را همواره در کنف حمایت و عنایت خود حفظ میفرمایند. از اینرو با اظهار افزجار و نفرت ازسوء قصد خائنناه عذری پلید و ناپاک، پایندگی ذات اقدس شاهنشاه را ارزیزدان پاک درخواست دارد.

از سوی انجمن زرتشتیان

بنمايندگی جماعت زرتشتیان ایران

چاکر جان ثار - سنا تور رستم گیو

اسکندر در ۴۴/۱/۸

۲ - آقای داریوش دانشفر فرزند آقای رستم بادوشیزه مهین با نوکاوی دخت آقای مهریان

در ۴۴/۱/۹

۳ - آقای منوچهر نمیریان فرزند آقای

تهران

زنگنه و فی

۱ - آقای شاهرخ سروشیانی فرزند آقای سهراب بادوشیزه مهرانگیز سروشیان دخت آقای

گرامیشان برای مصرف خیریه ۲۵۰۰ ریال

پروین بادوشیزه دولت سلامتی دخت آقای خداداد

در ۴۴/۱/۱۵

دھشیں نخیل اندیشان آفایہ

آقای مرذبان رستم فرخنده بنامکانه بانو
اسفندیار مادر گرامیشان نیاز شاهور هرام ایزد
چراغ نقره یکدانه.

اعاناتیکه دھش کنندگان نامبرده زیر در برابر استفاده از قالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته اند آذریان

- | | | |
|----------------------------|-----|------|
| ۱ - آقای ارباب مهربان منشی | ۱۰۰ | ریال |
| ۲ - » سروش فروهر | ۵۰۰ | |
| ۳ - » پولادیان | ۲۰۰ | |
| ۴ - » دکتر دینیاری | ۱۰۰ | |
| ۵ - بانو همایون اورمزدی | ۵۰ | |

شاهرونه رام افزود

- | | | |
|---|------|------|
| ۱ - آقای دکتر فرین | ۵۰۰ | ریال |
| ۲ - » مهندس بهمن اورمزدی | ۲۰۰ | |
| ۳ - » خدایار اشو جهانیان | ۱۵۰ | |
| ۴ - » رستم آذر گشسب | ۱۵۰ | |
| ۵ - » رستم فولادی | ۱۴۰ | |
| ۶ - » برادران کیفر | ۱۰۰ | |
| ۷ - آقایان - مهربان - مهربانی - اسفندیار
مهربان - شاهبهرام جهانیان | ۱۵۰ | |
| | ۱۳۹۰ | |
| جمع | | |

در گذشت

- | | |
|--|-----------------------|
| ۱ - روانشاد مروارید نوشیر وان منکچوان | شریف آباد در ۴۳/۱۲/۲۶ |
| ۲ - روانشاد سه راب دینیار خانی زاده در | ۴۴/۱/۲ |
| ۳ - روانشاد دولت خدا بخش کاوی در | ۴۴/۱/۱۴ |
| ۴ - روانشاد اردشیر رستم فروهر در | ۴۴/۱/۲۲ |
| باد . | |

مسئلہ ۵ پوچشی

- | | |
|-------------------------------------|---------|
| ۱ - آقای شهریار اردشیر خورسند در | ۴۴/۱/۶ |
| تالار جشنگاه خسر وی | |
| ۲ - آقای سه راب کی خسرو زائیری در | ۴۴/۱/۶ |
| تالار جشنگاه خسر وی . | |
| ۳ - دوشیزه مهربانو بهرام پوروشسب در | ۴۴/۱/۲۰ |
| ۴ - از طرف خودشان در منزل | |
| ۴ - دوشیزه پریزاد بهرام پوروشسب در | ۴۴/۱/۲۰ |
| ۴ - از طرف خودشان در منزل | |
| ۵ - آقای اردشیر بھرام پوروشسب در | ۴۴/۱/۲۰ |
| ۴ - از طرف خودشان در منزل | |

دھشیں نخیل اندیشان

آقای بهرام کاوی شریف آبادی بنامکانه
روانشاد دولت خدا بخش کاوی شریف آبادی مادر

اخبار شهرستانها

یزد

از : آقای نسیمی

دھش خیز آنکه یشان

در ماه اسفند ۱۳۴۴ ورثه روانشاد ارباب جمشید یگانگی بمناسبت سراسر آن روانشاد مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال بودجه انجمن زرتشتیان یزد کمک نمودند. در ماه اسفند ۱۳۴۴ ارباب رستم بر زور سروری مبلغ ۱۰۰۰ ریال ببودجه انجمن زرتشتیان یزد کمک نمودند.

روز ۲۹ دی ۱۳۴۳ بعد از جناب آقای دکتر اسفندیار یگانگی نماینده محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر ضیائی نماینده محترم مجلس و با نوغذر اضیائی مدیر کل وزارت آبادانی و مسکن و جناب آقای مستر هرتزن مستشار سیاسی سفارت امریکا و بانو دکتر هرتزن برای بازدید از معبد زرتشتیان و شرکت در مراسم زرتشتیان در تحویل نوروز جمشیدی و دیدار از زرتشتیان وارد یزد شدند و پس از بازدید از معبد زرتشتیان و سازمان جوانان زرتشتی یزد و چم یکی از دهات زرتشتی نشین یزد بمنزل ارباب فریدون کیانیان رئیس انجمن زرتشتیان یزد برای صرف شام و شرکت در مراسم خانوادگی تحویل سال نو آمدند موضوعیکه بیش از همه در این مراسم جلب توجه کرد این بود که بزرگ خانواده (بانو سیمین خسرو شاهجهان) در آغاز سال (طبق مرسوم تمام خانواده های زرتشتی) کتاب اوستارا بوسید و آنرا باز کرد و با خواندن بخشی از اوستارا کشور ایران و شاهنشاه ایران و مردم ایران و خاندان و فرزندان و پیوندان

گواه گیری و سالن جشنگاه

خسروی

۱ - آقای شاهرخ سروشیانی با بت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال
۲ - آقای داریوش دانشفر با بت گواه گیری سالن ۲۵۰۰ ریال
۳ - آقای منوچهر نمیریان با بت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال .
جمع ۵۵۰۰ ریال

سالن آیرج = پرمه

۱ - ورات روانشاد مردادی نوشیروان منکچیان ۲۰۰ ریال
۲ - ورات روانشاد سه راب خانیزاده ۱۰۰ ریال
۳ - ورات روانشاد اردشیر فروهر ۵۰۰ ریال
جمع ۸۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده
» دندانپزشکی
» آزمایشگاه
» داروخانه
» تزیقات و پانسمان
» دیاترامی گذاشته شده
» بخود پنیسیلین
جمع ۱۹۹۶

۹- آواز در دستگاه سه‌گاه بوسیله خدایار نمیرانیان

۱۰- پیش‌پرده عید آمد بوسیله داریوش بختیاری

۱۱- تصنیف بوسیله خدایار نمیرانیان

۱۲- سخنرانی بوسیله شهریار خدایار معاون سازمان جوانان زرتشتی

۱۳- یک‌پرده نمایش (حق نظامت) بکار گردانی وزیری و شرکت به مردم - دمه‌ری - خودشیدیان - هرمزدی -

۱۴- سرود شاهنشاهی .

فیلم‌برداری از مراسم زرتشتیان

روزهشتم فروردین ۴۴ هیئت فیلم‌برداری آلمانی برای تلویزیون‌های آلمان و فرانسه‌وایران برداشت آقای شیفر با حضور آقای بینانه‌ای‌ندۀ محترم وزارت اطلاعات برای فیلم‌برداری از مراسم و اجتماعات زرتشتیان با نجمن زرتشتیان پیزد مراجعت نمودند و طبق اجازه انجمن روز نهم فروردین در مراسم سدره پوشی و برنامه کلاس‌دینی و پذیرائی که از طرف سازمان دوشیز گان زرتشتی و بخرج انجمن در سالن معبد ترتیب داده شده بود شرکت کردند و از مراسم فیلم‌برداری نمودند. روزدهم فروردین ساعت ۲ بعد از نیمروزهیئت‌نمایندۀ یک مصاحبه هفت دقیقه‌ای با آقای نسیمی نمایندۀ انجمن ترتیب دادند - این مصاحبه راجع به قدمت و تاریخ و اصول مذهب زرتشتی و خدمات عام - المنهجه زرتشتیان بشهرستان پیزد بود هیئت نامبرده از زرتشتیان قاسم‌آباد و تفت نیز قیلم‌برداری کردند .

در اثر اقدامات آقای شهریار خدایاری دبیر

خود دعا کرد و دیرزیوشنی و قندرستی و کامروانی و فروجاه همه را از اهورامزدا خواستارشد .

روزششم فروردین ۴۴ یک ساعت و نیم پیش از نیمروز جناب سرهنگ یزدان‌افر رئیس محترم شهر با فیزد با تفاوت برادرشان جناب آقای یزدان بخش مدیر روزنامه پیک‌ایران و همراهان از معبد‌زرتشتیان بازدید نمودند - این بازدید تاساعت یازده و ربیع بطول انجامید .

جشن زایش اشووزرتشت

روز خورداد و فروردین ماه ۴۴ بمناسبت سالروز زایش حضرت زرتشت از ساعت ۵ رع تا هشت بعد از نیمروز بوسیله سازمان جوانان زرتشتی پیزد مجلس جشن باشکوهی در حضور جمیعت کثیری از زرتشتیان پیزد و دهات در سالن آموزشگاه دخترانه مادرکار برگزار شد بر نامه جشن عبارت بود از

۱- سرود شاهنشاهی

۲- خیر مقدم بوسیله نسیمی رئیس سازمان جوانان زرتشتی

۳- پیش‌پرده رمال باشی بوسیله اردشیر نوازدان .

۴- برنامه کلاس دینی بوسیله سازمان دوشیز گان زرتشتی

۵- تصنیف بوسیله خدایار نمیرانیان

۶- پیش‌پرده زن و مرد بوسیله سیروس مرادیان - شاهپور دینیاریان

۷- ارکستر بوسیله روح بخش - محمد قاسمی - عزمدی - هندرس سیروس دیانت (مدیر باشگاه ورزش)

۸- رقص تویست بوسیله هندرس دعمو بد و اردشیر بختیاری - اردشیر خودشیدیان

پذیرائی شد پس نیایش اوستایی و درود بشاهنشاه ایران توسط مؤبد فرزانه دستور رشید رستمی خوانده شد پس از تو اختن سرود شاهنشاهی آقای نوذر مهران خطابه شاد باش و تهنیت نوروزی را ایراد فرمودند آنکاه سرود جشن نوروز توام با ارکستر در چند پرده توسط دانش آموزان دیارستان ایرانشهر خوانده و اجر اگر دید در همین عنکام جواز دانش آموزان رتبه اول توسط آقای ارباب جمشید سروشیان رئیس انجمن زرتشتیان در بین کف زدن های حاضرین توزیع گردید در پایان چند پرده نمایش غالب توجه و سرگرم کننده توسط دانش آموزان دیارستان ایرانشهر اجرا و بسیار مورد توجه قرار گرفت.

افتتاح سالن

در روز ششم فروردین که جشن زایش اشوز رشت و مطابق با روز خورداد از ماه فروردین بنام نوروز بزرگ خوانده می شود مراسم افتتاح

انجمن زرتشتیان یزد از انساب لوله اصلی آب خیابان کرمان یک لوله فرعی با تشكده اختصاص داده شد و مورد استفاده می باشد.

سیده ۵ پوششی

روز ماه ایزد و فروردین ماه ۱۳۴۱ روز ۱۲ به مناسبت سراسال روانشاد پرویز جمشید پرویزان آقایان داریوش به روزی فرزند مهربان و داریوش نمیرانیان فرزند مهربان سدره پوش شدند.

کرمان

از: گودرز فرامرزی

آئین بر گذاری جشن نوروز

مطابق معمول هر سال در ساعت ۷ صبح روز دوم فروردین ۱۳۴۴ در سالن دیارستان ایرانشهر کرمان با حضور کلیه جماعت زرتشتیان بر گذار گردید ابتداء از مدعوین با صرف چای و شیرین



دوم راحائز گردید.

پوزش

چون در شماره ۱ فروردین هوخت صفحه ۴
نام در گذشته بیژن سروش پور فرزند خدا ایسار
اشتباهی سیروس سروش پور درج گردیده بدینوسیله
از خوانندگان و خصوصاً از فامیل آنمرحوم پوزش
میطلبیم و بار دیگر شکیبائی آن فامیل جلیل را
از این پیش آمد ناگوار و آندوه گین خواستاریم.

زایش

ماه فروردین شد و هر صحنۀ گلزار ارشد
روز ماه ایزد رسید ارزانی ازداده شد
تهنیت بادا بر این مولود مسعود شما
کاولین فرزندتان دوشیزه ایزدیار شد
هم دگربادا فراوان از ذکور و ازانات
طالع سعدش مبارک در چنین ادوار شد

خبر انجمن زرتشتیان اصفهان

بهوجب دعوت قبلی از سوی انجمن زرتشتیان
اسفهان همکیشان مقیم اصفهان برای شرکت در
جشن فرخنده زایش اشو زرتشت پیامبر ایران
باستان در محل باستان آباد اجتماع نمودند.
جشن با برنامه تغليه‌ی برگزار گردید و مدعوین
از طرف انجمن باچای و شربت و شیرینی پذیرائی
شدند. جشن در ساعت هشت بعد از ظهر پایان
یافت.

شیری آرتفت و زن

روز ششم فروردین ۴۴ انجمن زرتشتیان

بنیه در صفحه ۵۴

سالن جدید درب شاه و رهرام ایزد کرمان از طرف
کلیه اعضاء کمیته حیریه خداداد مهرابی که به مت
عالی بانی کمیته مذکور را مرد بزرگ آقای خداداد
مهرابی «اتمام یافته بود از ساعت ۸ صبح با حضور
جمعیت زرتشتیان برگزار و آئین جشن خوانی توسط
mobدان شروع گردید و هم در همین روز بمناسبت
سرسال در گذشت شادروان دستم مهراب گرامی
پدر آقايان فرزانگان ارجمند خداداد مهرابی و
اردشیر فر و هر در همان سالن جدید آفرینگان برپا
بود که چند قطعه عکس نیز از این مراسم ت وسط
گودرز فرامرزی گرفته شده را پایان از کلید مدعوین
و باشندگان پذیرائی گرمی بعمل آمد این مراسم
مقارن ساعت ۱۱ صبح پایان یافت.

زنگنه

پیوند زناشوئی و آغاز زندگانی نوین آقای
هرمز کشاورزیان فرزند اردشیر با دوشیزه پرورین
سپنتا در روز پنجم فروردین ۱۳۴۴ در بزم جشن
گرفته شد.

ورزش و مسابقات

در مسابقات فوتبال کاپ کیهان که از طرف
روزنامه کیهان در کرمان تشکیل داده شد بین تمام
باشگاهها باشگاه آقای اردشیر همتی رتبه اول را
حاوز گردید و برنده کاپ کیهان شد.

هوخت ما پیروزی در خشان و سر بلندی
کلیه اعضا و مخصوصاً سرپرستان ارجمند این
باشگاه را آرزومندیم اینها در مسابقات بـ الیمال
پسران و دختران بین باشگاههای کرمان تیم پسران
باشگاه اردشیر همتی دوم و تیم دختران نیز رتبه

از سر کار سرهنگ ۳ میر همدی موبد
متخلص به (سر باز)

ار مغان سیزده



نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
نحس باشد میوه خودخواهی اندروز گار
نحس باشد چاپلوسی پیش صاحب اقتدار
نحس باشد بر جوانان هر زمان میز قمار
نحس باشد از جوانان ناسپاسی بر پدر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
نحس باشد گر زبر دستی نهد پاروی حق
یا ز خودخواهی شودنا آگه از نیروی حق
وای از آن روزی که مظلومی کند روسوی حق
تیغ حق را آه مظا و مان کند بر زنده تو
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
نحس باشد گر شوی در دهر چون بانگ جرس
نحس باشد گر شوی هر لحظه پابند هوس
سعی کن در زندگی سودی رسداز توبه کس
نحس باشد مردمان را گر رسداز تو خسر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
نحس باشد زندگی را سرسری پنداشتن
سعد و نحسی به رهه و روز باور داشتن
تخم این پندارها اند دل خود کاشتن

نحس باشد بر خدای این جهان بی باوری
نحس باشد گر نهی پاروی حق درداوری
نحس نبود دیدن خرگوش اند معبری
بی زیان باشد وجودش از برای رهگذر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
نحس آن باشد کزو آید زیان برآدمی
نحس آن باشد کزو بنشینند اند دل غمی
نحس آن باشد جلوگیری کند از خرمی
نحس نبود مرغ اگر بانکی زندوقت سحر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
نحس باشد پیروی از مقصد بیگانگان
نحس باشد مردم آزاری همیشه در جهان
نحس باشد غفلت از دلジョئی بیچارگان
نحس نبود بر تو آهنگ شعر اند صفر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
نحس باشد بهر یک آزاده یک دم بر دگی
نحس باشد میوه نادانی اند زندگی
نحس باشد بر سر پندارها پایندگی
شرق را خم شد از این پندارها یک سرگمر

با خرد ویرانه کن شالوده پندارها
 گرچه رایج گشته این پندار اند باخت
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
 با خردش آدمی در زندگانی سرفراز
 با گره (بر سبزه) کی گردد گرهای توباز
 نا توانی پیش این پندارها خود را میاز
 کار کن با دانش از هر بند فادانی گمند
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
 بر اصول آدمیت هر زمان پابند باش
 راه و رسم زندگی آموز و نیرومند باش
 گر به گردش میروی آسوده و خرسند باش
 بهر خوشبختی گره (بر سبزه) باشد بی اثر
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
 غرق گشتی در خرافات از چه روتا خرخره
 حاصل تو از (صفر) از (چارشنبه) دلهره
 ماه در یک ماهه میچرخد بدور این کره
 گرددش ماه و ستاره بر تو باشد بی اثر
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
 گر تو میخواهی به روز سیزده گردش کنی
 در میان دشت و صحراء شادی و ورزش کنی
 روز خود را در کنار جویباری خوش کنی
 رو بکن اما مکن اندیشه را آلوده تر
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

دین و دانش آدمی راهست همچون بال و پر
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
 نحس باشد دادن فرصت ز کف در زندگی
 شد خرافات آدمی را مایه شرمندگی
 سروری ز آزادگی افسردگی از بردگی
 پاک کن اندیشه را هر گزمنه مصحف بسر
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
 نحس باشد ارتشا و رشوه را پیانی شدن
 از پی تحقیق مردم مرد روحانی شدن
 مانع بیداری ایران و ایرانی شدن
 نحس باشد توده را پنداری ارتوکوروگر
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
 بچهای پس امینه در خاندانی از عدم
 گر غمی بینند میگویند باشد بد قدم
 این چنین پندار اند در باره اش باشد ستم
 زاده اندیشه و اعمال باشد خیر و شر
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
 آدمی را نیست شایسته بمرسد از عدد
 از عدد اند جهان بهر کسی کی بدرسد؟
 بهتر آن باشد همیشه از خردگیری مدد
 گردد بر تو پیشرفت دانش اعلام خطر
 نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر
 کن خرد را رهنمای خویشتن در کارها
 تا به کی باید شوی آلوده پندارها

آگاهی

بدینوسیله باطلاع سهامداران چاه‌زرف مزرعه کلانتری مقیم یزد و تهران و هندستان و سایر شهرستانها میرساند اکنون که در اثر توجه و علاوه مخصوص جناب آقای دکتر اسفندیاریگانی نماینده محترم و فداکار مجلس شورای اسلامی و زحمات و همکاری بیدریغاده جناب آقای جمشید امامت آب شیرین چاه‌زرف مزرعه کلانتری جاری و شرب میگردد اینجا نابه مانظوریکه در آغاز کار باهالی محترم مزرعه کلانتری عرض کردم تاریخه پیاری خداوند آب چاه مزرعه کلانتری جاری گردد کمال کمال و همراهی و مساعدت را خواهم نمود و پس از احراز موقفيت دیگر کوچکترین مسئولیتی را قبول نخواهم کرد . با عرض مرائب بالا امروز بسیار خوش وقت و سرافرازم که با وجود موافع زیاد با اینکه اولین چاه‌زرف مزرعه آب آن تلخ و شور و غیرقابل مصرف بود و جناب آقای دکتریگانی بانیت خیرخواهانه خود چاه مزبور را برایگان و اگذار و در حفر دومنین چاه اقدام فرمودند بند هم در اجرای نظرخیر معلم له از هیچ‌گونه خدمتی در مدت یکسال بدون چشم داشت پاداشی فروگذار نکردم تا اکنون که بخواست خداوند دومنین چاه مزرعه حفر و از هر حیث مجهز و آب شیرین آن جاری است . لذا با عرض تبریک و تشکر فراوان بدینوسیله باطلاع سهامداران چاه مزبور میرساند که بعمل کثیر مشتمله از قبول سمت مدیریت عامل شرکت معذورم و چون از لحاظ بعد مسافت مزرعه تا شهر نمیتوانم در فروش و مصرف آب و اداره موتور نظارت نمایم لذا در مقابل شرکاء عیچگونه مسئولیتی نخواهم داشت . بدیهی است آقایان شرکاء در ثبت شرکت و فروش سهام آب وغیره اقدام خواهند فرمود و همواره موقفيت و خوشبختی اهالی زحمتکش مزرعه کلانتری یزد را از درگاه یزدان پاک مسئلت دارم .

شهریار خدایاری

دقیقه ارشنان سیزده

(ارمغان سیزده) را ارمغان آورده ام
مغزهای خسته را قوت روان آورده ام
بهر آگاهاندن هم میهمان آورده ام
گفته سر باز را بـما نیکخواهی کـن نظر
نحس نبود سیزده زاندیشه کـن آنرا بدر

با فلاکت زندگی میگرد مشتی کارگر
(سود ویژه) کرد اندر کارگر نیکو اثر
گشت از لطف شهنشه کارگر آسوده تر
نحس باشد غفلت از احوال زار کارگر
نحس نبود سیزده زاندیشه کـن آنرا ابر

پیشنهاد و فلسفه

یکدیگر جدا و مشخص کردند . برهمنها - (روحانیان) نخستین طبقه ممتاز بودند ، دوم سپاهیان *Kshatriyas* سوم بزرگران *Vaisyas* چهارم - نوکران و فرمانبران *Sudras* و باصطلاح امروز کشوریان ، شناخته شدند ، سه طبقه از اینها « دوباره زاد » (*Twice-born*) خوانده میشدند ، زیرا دریک سن عین ، دیسمانی بنشان رسیدن بمرتبه دومین زایش (برسم تعمید) دور کمرش بسته میشد (ما نند کشتی که در کودکی بکمر بجهه زرتشتی بسته میشود و پیداست که این رسم مشترک آریان بوده) . اما برهمنها چون خود را پرتوی از دهن آفریدگار و صاحب کتابهای ودا میدانستند ، گذشته از اینکه دوباره زادگی شامل آنها نمیشد ، سرور همه طبقات نیز بودند . سپاهیان همواره جایگاه والایی داشتند ولی رآی زن یا وزیر راجه ، همیشه یک برهمن بود و « راجه » با راهنمائی او کار میکرد . بزرگران گرچه دوباره زاد بودند ولی سرپرستی خانواده و مراسم مذهبی آنان زیر نظر و بدست برهمن انجام میگرفت ، مبادا بادرستی بجانب اورند . طبقه نوکران بجهاتی از تورانیان تشکیل میباشد چون آریانها آنها را از خود نراند بودند ، گرچه پست ترین جارا در اجتماع داشتند و فرمانبر بودند ولی بنده نبودند مگر اینکه اجازه نداشتند توانگر باشند .

شاه را راجه میگفتند (در فارسی هم رآی بمعنی شاه آمده) او مظہر الهی شناخته میشد و دارای قدرت مطلقه بود . کشور بشهرستانها بخش شده ، هر شهر فرمانداری داشت و فرمانداران هر منطقه زیر سلطه راجه بودند . بزرگترین راجهها (مهاراج) بر هزار شهر کوچک فرمان میراند . راجه درجه دوم برسد شهر و دیگری بر بیست شهر و برخی برده شهر و کوچکترین آنها بریک شهر حکمران بود . چگونگی درآمد دولت - حقوق بزرگران - تشکیلات دادگستری وحدود زن در قانون « دمانو » روشن گردیده است .

یادآوری

پیرو آگهیهای پیش بیان و آقایان گرامی که تا کنون کارت شناسائی ویژه افراد زرتشتی دریافت نموده اند یادآوری و خواهشمند است برای استفاده از مؤسسات جماعتی و شرکت در انتخابات انجمن زرتشتیان با در دست داشتن شناسنامه و ۲ قطعه عکس ۳ در ۴ بدپیر خانه انجمن زرتشتیان مراجعه و کارت شناسائی دریافت فرمایند .

انجمن زرتشتیان تهران

رُّوْجَیْلَهِ مَهْبُخْنَرْ آنَیِ هُوْ بَلْ شَهْرَ آدِی

وندر آفرود رسد روز سخن را پایان
به نگاهی همه گویند بهم راز درون
هم بخندند و بکریندو برآرند فنان
پس در این صورت بالاطلاع از نیروی اندیشه بشر و انتقال فکر بفاسله‌های دور دست
متوجه خواهیم شد که چرا در تمام مذاهب نفوذ و اثر نماز جماعت بیش از نایشهای فردی
بوده و چرا در هنگام ذکر خیر و یاد بود روان در گذشتگان و طلب آمرزش آنان جماعت
برپا می‌خیزند و یکی دو دقیقه بحال سکوت بفکر و ذکر می‌پردازند.

چ - بوسیله یک مرکز معنوی:

موبدان زرتشتی علاوه بر عوامل نامیرده بالا اغلب نماز و نایشهای خود را نیز بیک
مرکز معنوی اعلاکه گاهی بنام گنج داده اور مزد یا گنج همیشه سود یا گنج ما نتران معرفت
گسیل میدارند تا از آن مرکز برین با نیروی مینوئی بهمه جهان و جهانیان گسترده
شود.

در هنگام سرایش یسنا و ویسپرد موبد می‌سراشد: این یزشی که کردم - این اوستائی
که یشم - این میزدیکه بر گذار کردم به گنج داده اور مزد دارای یومند و خروهمند بر ساد.
دانشمند و ستاره شناس معروف ایران حکیم عمر خیام راجع باین گنج اور مزد یا مخزن
پروردگار می‌فرماید:

در مخزن روزگار گردد مخزون	هر هیئت و هر نقش که شد محو کنون
از پرده غیش آورد حق بیرون	چون باز همین وضع شود وضع فلك
باز در همازور دهمان راجع باین مخزن که بنام گنج همیشه سود خوانده شده چنین	

می‌خوانیم:
هر درمی و دانگی که تان امروز باین کار و کرفه هزینه کرده اید و کنید یزدان و
امشا سپندان از گنج همیشه سود پری و فراغی و پدیخی و نیکی و وهی تان دهداد - هر که
میزدی باشوان ارزانی بسازاد اش ایدون سبک و خدار و آسان باد. آنکه امروز این یزشن
فرمود اش این میزد ساخت. اش این اشوداد بداد همواره اش و هی ارزانی باد. در جای
دیگر در مقادمه یسنا همین مخزن را بنام گنج همه ما نتران یعنی مخزن همه دعاها خیر
مینامد.

پس با بیان مطالب بالا امروزه دانشمندان روانکاو و روانشناس با پژوهش و کنجدکاوی
در روشن برگزاری مراسم دینی زرتشتیان در یافته‌اند که هر گونه فکر نیک و بد یا دعا و
نفرینی که فردی بطور دیگر حتی بفاسله دور دست روانه کند امواج آن فکر بطریق مقابله

رسیده و اثر نیک یا بد خود را خواهد بخشید از جمله میگویند هر گاه کسی چیزی را در دست دیگری ببیند که خود فاقد خواستار آن باشد حس حسادت او تحریک شده و امواج زیان آور اندیشه بد بسوی شخص محسود و چیز مورد نظر روانه میگردد و بحسب قدرت موج اندیشه طرف به محسود زیان وارد می‌سازد . وهمین طور هر گونه دعا و درود و ذکر خیری را هم که ما در مورد اشخاص از خود بزبان آوریم با موج اندیشه ما توأم با اطراف پراکنده شده با ایجاد نیروی معنوی سبب تندرنستی و نیرومندی تن و روان طرف میگردد پس چه بهتر اینک که بکمال علوم امروزی برخوبی مراسم دینی خود پی برده و دریافت‌هایم که نیروی گفتار نیک توام با اندیشه و فکر درست و پاک تاچه حد درسلامت محیط و روح وجسم مامؤثر است .

بحاست که درین روزهای سال نو پس از خانه‌تکانی دل و تمیز کردن منش و اندیشه از آسودگیها هر گاه برای دید و بازدید بخانه یکدیگر رویم بهمراهی سلام و تبریک و تعارف لفظی امواج نیک اندیشه و ضمیر خود را هم بسوی یکدیگر بجزیان اندازیم و یقین بدانیم کاری که دور از تصنیع و تظاهر بوده و بانیت خیر و فکر درست و صحیح و اندیشه خوب همراه باشد اثر نیک آن تا باعماق روح خواهد رسید و سبب بشاشت طبع و آرامش خاطر و خشنودی و آسایش روان خواهد شد زیرا طبق دستور اشوزرتشت پایه و اساس تمام کارها برآیند و اندیشه استوار است .

در پایان از اورمیز را یومند و خروهمند آرزومندیم که باین نیایش و آفرینگان و درودی که بتوار همازور امروز درین جای اشو و پاک برگزار گردید اوج وزور و نیرو و تکی و هماوندی و فیروزگری بخواهد تا بهرچه دور دست تبر سد و اثرات نیک آن شامل هر چه بیشتر افراد بشر گردد . ایدون باد .

آگهی

هزاره اور شیعی نسیرویانی واقع در خیابان فردوسی نزدیک مجتمعه سلویات بزرگ نازه و سفارش شده را «دانشگاه‌های گذشتہ قمیه و در دسترس عموم هشتگان» گذاوره است .

ضمناً هیئت از دفاتر تلفن های ۰۹۱۸۹۴۵۱۶۳ برای تهیه و سفارش شیعیانی شغون با «دانشگاه بیکری» دارد .

هو فقیت افتخار آهیز آقا نامداری داشته باشند

سال ششم پزشکی



آقا نامداری در حین کار پر مشتت تحصیل در رشته پزشکی با استعداد سرشاری که داردند موفق با خبر از دستگاهی بنام تیزبینی الکتریکی گشته اند که در عالم چشم پزشکی تا کنون بی نظیر بوده است.

با این دستگاه میتوان تعیین نمره و معیزان دید چشم را با اندک فرستی انجام داد. اهمیت این دستگاه مورد تأیید مقامات مر بوطه قرار گرفته و از طرف رئیس انجمن چشم

پزشکی جناب آقا پرسود شمس و مدیریت گروه آموزشی چشم دانشکده پزشکی جناب آقا دکتر باستان رسماً از ایشان تقدیر شده است.

هوخت - هو فقیت و سرافرازی این جوان کامکار مایه سر بلندی همگی است و صمیمانه با آقا نامداری شاد باش میگوئیم.

وقایع تیزبینی در تبلیغات

آن را بمعنی « تا فاصله نه برابر (ارتفاع) پر نده از زمین » ترجمه کرده اند یعنی تا چندین فاصله ای کر کس میتواند در خشنندگی سرسوزنی را از زمین بدبند ولی سرکار سرگرد اورنک با کشیدن شکلی عبارت اوستائی هزبور را بنحو بسیار زیبا و جالب تعبیر کرده اند چنانکه می نویسند کر کس از ۹۰ سمت یعنی شرق و غرب و شمال و جنوب و جنوب شرق و شمال شرق و جنوب غرب و شمال غرب و همچنین ارتفاع مستقیم از زیر پای خود تازمین را بخوبی هی بیند این تعبیر بکرو بسیار جالب نمو نهایست از طرز توضیح و تعبیر نکات مهم اوستا توسط این مولف دانشمند در هر حال ما موفقیت و فیروزی سرکار سرگرد اورنک را در این قبیل فعالیتها ای ادبی و فرهنگی از خداوند آرزو میکنیم و امیدواریم نامبرده فعالیت خود را در زمینه روشن ساختن مجد و عظمت فرهنگ ایران باستان در آینده نیز دنبال خواهد نمود.

پیشیه چراید و نوروز

« این آئین بسیار پسندیده حکمت آموزکه در آن بزرگی و ارزش وجود انسان از نظر یک دین بزرگ کاملاً پیداست هنوز هم در میان ایرانیان ذرتیتی برگزار میشود و هر سال در ایران و هند و دیگر کوشش‌های جهان پیروان ذرتیت پاک باشور و شوق و خلومش نیت فراوان به پیشباز آن میروند و همانند نیاکان ارجمند باستانی خود و گاه بهتر و با شکوه‌تر از آنها آفرینش انسان راجشن می‌گیرند و به بزرگداشت این روزهای بزرگ شادمانی میکنند.

این بود نمونه‌ای از آنچه که از سه‌مجله انتخاب و در بالا با اطلاع خوانندگان ارجمند رسائیدیم بقیه نشریه‌ها نیز مطالب خود را در همین زمینه و مبتنی بر حقایق تاریخی که در شان این جشن کهنسال باستانی است تنظیم و انتشارداده‌اند که هر یک در خور آفرین گوئی است کاش صفحات مجدد مجله اجازه میداد تا خلاصه‌ای از تمام نوشهای جراید را بنظر خوانندگان ارجمند خود میرساندیم.

پیشیه فرخ

با پای استوار و دل و دست آهنین
هرت بدل نشسته چنان نقش بر نگین
هفتاد سال دگر می‌زی تو اینچین
سرسبز همچو اردی و خندان چوفرو دین

تهران ۲۵ اسفند ماه ۱۳۴۳

محمودی بختیاری «مرزبان»

خوش پاسدار مرز سخن گشته‌یی زمه
ذلت جهان گرفته چو شاهین بزیر پر
حقداد سال زیسته‌یی سرفراز و شاد
از او زمزد خواه - م پیوسته بینمت

قابل قرجه دشمنی کین محترم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هر ماه مجله هوخت نرسد بداروخانه داریونش و یا چاپخانه راستی تلفن ۳۹۶۲۴ اطلاع دهند و همچنین آنها یک‌که مایل باشتر الک‌مجله‌هستند میتوانند تلفن نام و آدرس خود را اطلاع دهند تا قبض آبونمان و مجله برایشان فرستاده شود.

جناب آقای دکتر رستم صدر فراز

هدیه هسته‌ریم در جمله هوخت

آغاز شانزدهمین سال انتشار مجله هوخت را بجنا بعالی و نویسنده‌گان مجله تبریک گفته توفیق ادامه خدمت پیشتری را آرزومند است.

وزارت اطلاعات

وزارت هسته‌ریم اطلاعات

احتراماً لازم میداند از وصول نامه ۱۲/۰۹/۲۰۰۹ مورخ ۲۵۶۶ که گویای مراتب تبریک نسبت با آغاز شانزدهمین سال انتشار این مجله است از طرف خود و نویسنده‌گان صمیمانه سپاسگزاری نماید.

بدیهیست همانند گذشته در ادامه خدمات فرهنگی طریقی که صلاح و فلاح اجتماعی را هم‌ضمن است خواهد پیمود.

با تقدیریم احترامات فائقه

کتابخانه

دستمال کار و گوشش

نام مجتمعه نفیس وارزنهای است که با کوشش جناب آقای سناور اشرف احمدی و از طرف اداره آمار و بررسیهای وزارت اطلاعات تدوین و انتشار یافته است.

این کتاب تلاش و کوششهای پی‌گیری که در ظرف ده سال در راه سازمان کاخ رفیع سعادت ملت ایران انجام و به مر رسیده با ارائه اسنادی گویا توجیه شده است. این کتاب دارای سیزده فصل است که هر فصل اختصاص به پیشرفت‌های یکی از شئونهای اجتماعی دارد.

در آغاز هر فصل نیز طی فهرستی از ترقیاتی که در زمینه هر رشته نصیب ملت ایران گشته مشخص و خواندنده را راهنمائی نموده است یقیناً مطالعه این سند افتخار آمیز که توأم با آمار و بررسیهای علمی است در هر خواننده‌ای ایجاد غرور و سر بلندی خواهد نمود و چنین خدمت گرانبهای سزاوار ستایش و آفرین گوئی است.



از : روانشاد سروش سپهری

نام نیگو

نهاند جهان بر کسی پایدار	عند دل بدنیا تو ای هوشیار
روان از تن و جسم سازد فرار	بسد با که شکم دیست سال
وزان پس نگیرد در اینجا قرار	به اغوار تپید همی آشیان
له عزد بسی سلها بادگار	بر آنکه همه اند بجز نام نیان
بکوش و مشود در جهان سست کار	بخوبی خانه هترس از گرند و ستم
شمیدم من این پندار آموز کار	همه اغدر خیز از انس بخوبی
بیوس آنچه آگهی زینهار	آنکه میان مهنهانی شرمت دمی
	سیزی اگر گوییت غم هیخور
	دوستیت زیارت بجن گوشدار



فر قشیت از نظر دانشمندان آر و پاپی

اکنون بمنظور تکمیل فقط دویا سه ترجمه دیگر از گاهان رایا کتابهای که درباره زردشت نوشته شده است در اینجا باید نام بردمیپردازیم. یکی ترجمه و شرح سرودهای آسمانی پیغمبر است از آن دوشن گیمن در ۱۹۴۸ و دیگر از آن کتاب دو جلدی ارنست هرتسفلد با نگاهی مدنظر کرد دوشن گیمن خود در این باره در کتاب دیگر شصت و سه مینویسد این کتاب را بتشویق و راهنمایی دومزیل زبانشناس بزرگ فرانسوی نوشته است.

بعكس هرتسفلد در کتاب خود زرتشت پیغمبر را بمالک درباری و سیاستمدار دوره نخستین پادشاهان هخامنشی معرفی میکند. چنانکه والترهینس البته نقلی از جهت اندیشه ها و اعتقادات دیگر دره رمان، که در سال ۱۹۶۱ نوشته است کرده و ترجمه های از گاهان شخصی خود را خیلی بهتر و سنجیده تر و اندیشیده تر در پایان کتاب بعنوان پیوست آورده است. بسیاری از این ترجمه ها را من بمناسبت سبک تواریاش و بنابر اصول ترجمه های خود، باید رد کنم، ولی در عین حال اعتراف میکنم که ترجمه های وی نخستین ترجمه ایست از مردیکه بدرستی مذهبی است و گفتار پیغمبر را بر شنوونده یا خواننده بدرجۀ ایمان و اعتقاد موثر میسازد و سرویخ زده مانند ترجمه های آلمانی ه - هومباخ نیست. این کار هینتس بیش از اینها شایسته ستایش است زیرا این ترجمه ها را هینتس با مهارت و زیر دستی در زبانشناسی انجام نداده است بلکه بادست چینی کردن و انتخاب باین معنا که هر چه راوی برای توضیح گاهان لازم تشخیص میداده آورده است.

پس از آنکه مهمندان مترجمان سرودهای زردشت و روش کاردانشمندان با خطر رایاد کردم - البته دانشمندان پارسی، تاوادية، ترپور والا، و بود از این بحث خارج هستند هنگام آنست که توجه خود را بخود زرتشت معلوّف گردانیم. در این باره بهتر است مسائلی که با شخصیت و وجود تاریخی او و همچنین آنچه که با آموخت اوسرو کاردارد یکجا بررسی کنیم. درباره شخصیت و وجود پیغمبر ایران باستان، زردشت، باز از همه بهتر آنست که خاستگاه او آنجا که او بدنیا آمده است، وزبان نفوذ تبلیغ او هر یک جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

در باره خاستگاه او - یا بهتر بگوئیم بستگی او یکی از طبقات اجتماعی ایران عقاید بسیاری تاکنون اظهار شده است. از آنجا که این نکته بستگی تمام با اوضاع و احوال شرائط زندگی پیغمبر دارد و هیچ کدام از اینها را باقطعیت و اطمینان نمیتوان بحث کرد، یعنی بستگی بمنظور مترجم و دانشمند مربوط دارد، هر گونه نتیجه گیری در نظر اجتماع دانشمند

خواهد بود تنها پفرضیه هر تفسلد در مورد یکی دانستن ویشتاپ پشتیبان زردشت با فرمادار هخامنشی اشاره میکنم اگر این فرضیه غلط باشد، نتیجه‌هایی هم که از آن گرفته شد بیهوده و باطل است.

همچنین این پندار که زردشت از طبقه موبدان بوده، قابل اثبات نیست، چه ما هیچ‌کو نه اشاره‌ای در این پاره از گاهان نمی‌باشد. عکس بررسی گاهان مارا با این اندیشه میرساند که زردشت وابسته بطبقه بزرگان بوده حتی از طبقه پائینتر دهقان یا «خواست» هم نبوده زیرا که وی با بزرگان نشست و برخاست داشت و نخستین پیروان وفادارش در این دسته و دسته بودند البته در سنای ۳۲ و بندها پس از آن با کمال وضوح و قاطعیت بر ضد آن بزرگان (وئوا) سخن میراند ولی طبیعی است که در اینجا روی سخن با آن دسته از بزرگانی است که با آئین و اندیشه‌های او مخالفت میکرند. چون پس از این باز در تعیین زادگاه زردشت در این-باره گفتگو خواهیم کرد این جایش از این چیزی نخواهم گفت.

ناتمام

پیشید استخار

مجلس جشن برگزار نمود.
نخست دونفر از موبدان نیایش مخصوص
جشن را با آهنگ دلپذیر قرائت فرمودند بعداً
پنج نفر نونهالان زرتشتی الله آباد بر قیت از محل
سرمايه خیراندیش محترم آقای رستم مزاد مانند
چندین سال گذشته سدره پوش شدند:

۱ - آقای رستم یزدانی فرهاد ۲ - دوشیزه
دولت یزدانی فرهاد ۳ - شیرین باستانی ماهیار
۴ - سرور باستانی تیرانداز ۵ - مهوش باستانی
رستم.

سپس آقایان اردشیر باستانی و بهرام و
خدابخش یزدانی گشتاپ هر یک سخنرانی جالبی
ایراد فرمودند که بسیار مؤثر و مفید بود.

تفت و توابع طبق مهمل هر ساله امسال نیز با همکاری
همیمانه سازمان جوانان زرتشتی تفت جشن با
شکوه در منزل آقای فریدون جوانمردی
برگزار و در پایان آقای ارباب نمیر هیزانیان
ریاست محترم انجمن از کلیه مدعوین و افراد
سازمانی سپاسگزاری نمودند.

خبری از الله آباد یزد

در روز خورداد و فروردین ماه مصادف با
روز تولد و برگزیده شدن پیامبر عالمت ایران
و خشونت بزرگ اشو زرتشت اولین رعیت بر بشر و
رخاننده هردم از گمراهی و نلالت و هدایت برآه
راست و بیکشاپنی را انجمن زرتشتیان الله آباد
مشابق عمهزل هر ساله در مجل آدریان الله آباد

((آتو سییر یزد))

آیا باید یزد و مکانهای مقدسه آن فراموش شود؟

آیا در موقع تکلم بزبان دری احساس برادری و یگانگی بیشتری نمی‌کنیم؟
اتوسیریزد بمنظور خدمت بهمکیشان گرامی ایجاد شد و انتظار پشتیبانی و همکاری
از همکیشان را دارد.

ایرانتور فو - بوذرجمهری تلفن ۳۳۷۱۳
یزد : آتو سییر یزد - میدان شاه

شماره مسلسل ۱۸۱

سال ۱۵ شماره ۲

LICENCE HOLDER:

Dr. SARFEH

دارنده امتیاز - دکتر صرفه

SUPERVISED BY

EDITORIAL BOARD

تحت نظر هیئت تحریریه

ADDRESS:

(The Hukht Monthly Magazin)

Dr. SARFEH

خیابان شاه (نادری) چهارراه قوام

Kassra Street,

داروخانه داریوش

Makhssuss Avenue,

تهران - ایران

Tehran,

Iran .

ثانی :

آbonman مجله ماهانه هوخت

SUBSCRIPTION FEES

Iran	Abroad
for 12 Months 180 Rls.	200 Rls.
< 6 > 100 >	90 >

خارج

داخل

۲۰۰ ریال

بیکاله ۱۸۰ ریال

۱۰۰ ریال

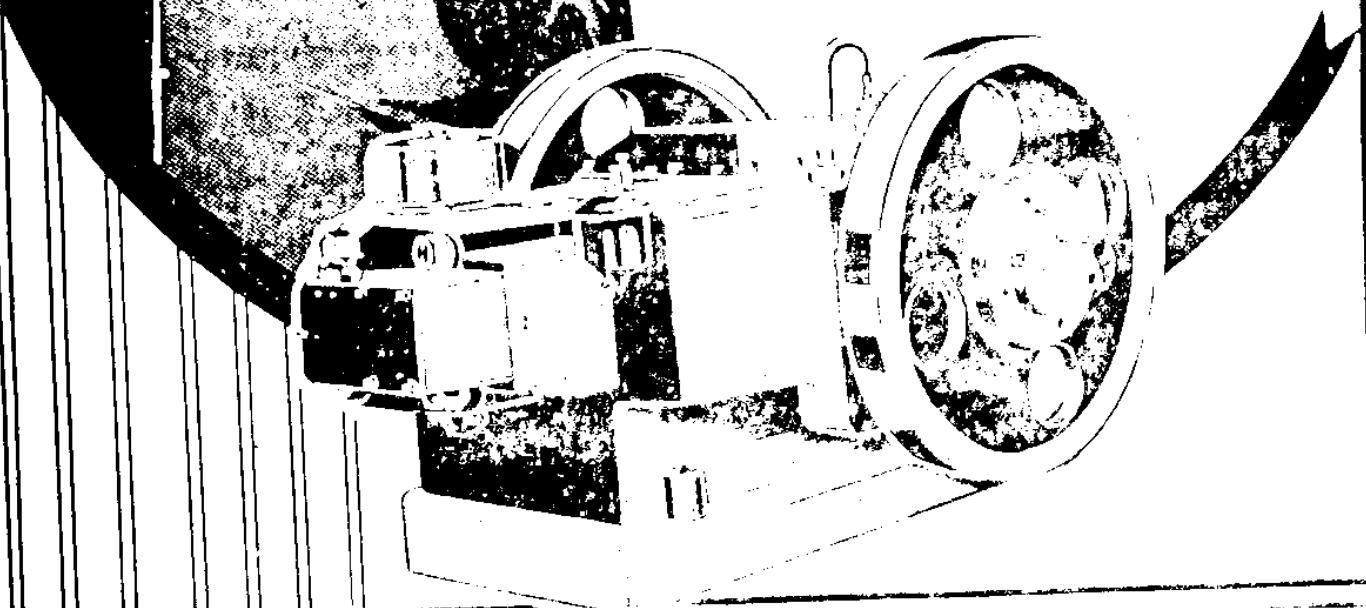
۶ ماهه ۹۰ ریال

Robson

جدیدترین شاہکار صنعتی کارخانه
روبن

انگلستان
موتور دیزل کار تی

برقدرت - باد رفام - ساید - کم مصرف
خصوص کارهای کشاورزی صنعتی



روبن کار تی - مشتی خیابان سعدی - گوچه هزار - ساختمان زرتشی - تهران ۳۵۲۸۲